

تأثیر انقلاب اسلامی بر ارمنستان، فرصت‌ها و موانع همکاری دو کشور

دکتر قربانعلی محبوبی^۱

روح الله شکری^۲

چکیده

به باور بسیاری از صاحب‌نظران از نگاه نظری و معنوی هم در زمان حیات شوروی و هم پس از آن، انقلاب اسلامی تلاش نمود الگویی بدیل الگوی کمونیستی را در منطقه قفقاز ارائه کند. این الگو که برخاسته از متن دین اسلام بود، تا حدودی توانست بر پیشش و فهم سیاسی قفقازی‌ها تأثیر بگذارد و علی‌رغم حضور الگوهای رقیب، انقلاب ایران، حس استقلال‌خواهی و آزادی‌خواهی را در منطقه قفقاز، وارد فاز جدیدی کند. منطقه قفقاز از گذشته‌های دور، چه به عنوان بخشی از سرزمین و چه به عنوان حوزه نفوذ همواره مورد توجه ایران بوده است. جمهوری اسلامی ایران با توجه به پیوندهای تاریخی دو ملت و اراده دو طرف و داشتن امتیاز همسایگی، همکاری‌های گسترده اقتصادی با جمهوری‌های قفقاز جنوبی و از جمله ارمنستان دارد. این مقاله سعی دارد با بررسی تأثیرات انقلاب اسلامی بر ارمنستان، فرصت‌ها و موانع همکاری آن را بیان نماید.

واژه‌گان کلیدی: ایران، انقلاب اسلامی، ارمنستان، قفقاز، فرصت‌ها.

۱- عضو هیأت علمی دانشگاه جامع امام حسین(ع)، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) gm.west@yahoo.com

۲- کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

مقدمه

موقعیت جغرافیایی و اهمیت استراتژیک قفقاز جنوبی، این منطقه را به یکی از مهم‌ترین مناطق جهان تبدیل کرده است. اهمیت استراتژیک قفقاز را می‌توان از نبردهای بزرگی که میان ایران، روسیه و عثمانی در قرون اخیر در آن رخ داده است درک کرد. به لحاظ فرهنگی قفقاز مرز میان تمدن اسلامی و تمدن مسیحی و سه فرهنگ روسی، ترکی و ایرانی، همچنین زیستگاه بیش از ۵۰ گروه قومی و زبانی و سه دین یهود، اسلام و مسیحیت است. هانتینگتون در کتاب «برخورد تمدن» این منطقه را روی خط برخورد تمدن‌ها خوانده و به درگیری آذری‌های مسلمان و ارامنه مسیحی و صف بندی حامیان آنها اشاره کرده است (Huntington, 1996). تعارض‌های قومی، نژادی و مذهبی، ساختارهای سیاسی و اقتصادی برجای مانده از اتحاد شوروی، بی‌ثباتی سیاسی و اجتماعی، ضعف اقتصادی، رژیم حقوقی دریای خزر، تروریسم، مواد مخدر و بالاخره منابع عظیم انرژی از مهم‌ترین زمینه‌ها و عوامل مؤثر در بی‌ثباتی منطقه هستند (Huntington, 17).

انقلاب اسلامی ایران به عنوان یک انقلاب ایدئولوژیک، نه تنها در بعد ملی، احیاگر طرح‌ها، برنامه‌ها و نظریات خاصی برای حکومت و دولت بوده، بلکه در بعد جهانی نیز با توجه به جهان‌شمولی مکتب اسلام، دارای افکار و نظریات خاصی بوده است. یکی از ویژگی‌های ایران و حوزه‌های پیرامونی‌اش در ادوار معاصر، آن است که به رغم تأثیر متقابل و کم و بیش مستمر این دو حوزه بر یکدیگر، کم و کیف این تأثیر و آثار مترتب بر آن به نحوی شایسته، معرفت‌شناسی نشده است که برای نمونه می‌توان آن را به خوبی در مناسبات ایران و قفقاز در دو سده اخیر ملاحظه کرد. این مسئله در رابطه با انقلاب اسلامی ایران از بدو پیروزی تاکنون صادق بوده است؛ به این معنی که اولاً، علی‌رغم اهمیت فوق‌العاده منطقه قفقاز برای ژئوپولیتیک ایران، این حوزه با توجه به تحولات سیاسی فراوانش، سهم شایسته‌ای را از آرمان‌ها و تأثیرات حداکثری انقلاب دریافت نکرده است؛ ثانیاً، فقدان نگرش پژوهش‌محور، باعث صدور نظریات و احکام کلی در باب سیاست

خارجی ایران پس از انقلاب شده و این به نوبه خود، متضمن ضایعاتی در عرصه‌های فکری و علمی گردیده است. این در حالی است که منطقه قفقاز به دلایلی همچون اهمیت تاریخی، فرهنگی، سیاسی و سوق‌الجیشی، تکیه‌گاه سیاست خارجی قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای بوده و تحولات سیاسی آن بیش از آنکه مرهون عمل بازیگران درونی منطقه باشد، تحت تأثیر سیاست‌های بازیگران بیرونی قرار داشته است. بر این اساس سوالی که در این مقاله سعی می‌کنیم به آن پاسخ دهیم این است که انقلاب اسلامی ایران چه تاثیری بر ارمنستان از لحاظ سیاسی اقتصادی و فرهنگی داشته است؟ بر مبنای این سؤال نویسنده سعی دارد با فرضیه‌ای زیر به این سؤال جواب دهد «انقلاب اسلامی تاثیر خود را بر کشور ارمنستان بخصوص در امور اقتصادی و سیاسی گذاشته است».

نگاهی به تاریخچه روابط کشورهای منطقه قفقاز با ایران

قفقاز، منطقه‌ای است کوهستانی در جنوب غربی روسیه و شمال غربی ایران که از غرب به دریای سیاه و آزوف، از جنوب غربی به ترکیه و از شرق به دریای مازندران محدود می‌شود. این منطقه به وسیله رشته کوه‌های قفقاز بزرگ (آب پخشان) به دو قسمت جدا تقسیم شده است:

الف) قفقاز جنوبی یا این سوی قفقاز؛ شامل کشورهای آذربایجان، ارمنستان و گرجستان.
ب) قفقاز شمالی یا ماورای قفقاز؛ شامل جمهوری‌های خودمختار تحت حاکمیت فدراسیون روسیه به ترتیب از شرق به غرب؛ داغستان، چچن، اینگوش، اوستیای شمالی، کارباردا - بالکار، قاراچای، چرکس و آدیگه (افشردی، ۱۳۸۱: ۳۷). کشورهای گرجستان، ارمنستان و آذربایجان در قفقاز جنوبی طی دوران‌های تاریخی و درازمدت، زیر سیطره فرهنگی ایرانیان قرار داشتند و یا رسماً خراج‌گذار ایرانیان بوده‌اند. از این رو ایران تا به امروز، نقش تاریخی خود را در این منطقه فراموش نکرده و به تحولات قفقاز و آسیای مرکزی، علاقه زیادی نشان می‌دهد (فولر، ۱۳۷۳: ۱۵۹). قفقاز، ۱۶ درصد نفت، ۳۱ درصد گاز طبیعی، ۶

درصد ذغال سنگ و ۸ درصد انرژی الکتریکی جمهوری‌های سابق شوروی را تولید می‌کند (امیر احمدیان، ۱۳۸۱، مقدمه). براساس برآورد شرکت‌های نفتی بین‌المللی میزان منابع اثبات شده نفت در آذربایجان، بالغ بر ۷ میلیارد بشکه و گاز طبیعی در حدود ۸۵ تریلیون متر مکعب است (BP, 2008: 73).

این منطقه مسیر انتقال انرژی آسیای مرکزی و دریای مازندران به اروپا نیز هست. در حالی که مسیر روسیه به دلیل دوری مسافت و مسیر ایران برخلاف داشتن امنیت و صرفه اقتصادی، به دلیل مخالفت آمریکا کنار گذاشته می‌شود، مسیر قفقاز برای کشورهای اروپایی جایگاه مناسبی یافته است. قفقاز جنوبی در حال حاضر منطقه‌ای بین‌المللی است که تغییر ساختار قدرت و نفوذ را تجربه می‌کند. انرژی و امنیت، دو موضوع مهمی هستند که آینده منطقه در روند تحولات حول این دو محور شکل می‌گیرد. قفقاز جنوبی، صحنه تهدیدها و چالش‌های متعددی است. این چالش‌ها شامل درگیری‌های مسلحانه به بن بست رسیده، روابط پیچیده دولت‌های منطقه با یکدیگر و با همسایگان بزرگ‌تر خود، به ویژه روابط گرجستان با روسیه، روابط ارمنستان با ترکیه و روابط آذربایجان با ایران، توسعه نیافتگی اقتصادی و اجتماعی، بی‌ثباتی سیاسی و جرائم سازمان یافته و سلطه خارجی به ویژه رقابت شدید قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای است.

دیدگاه‌ها، اهداف و منابع ایران در قفقاز جنوبی

موقعیت جغرافیایی و جایگاه ژئوپلیتیک ایران در منطقه، همراه با دیگر توانایی‌های سیاسی و اقتصادی سبب شده است که ایران یکی از مهم‌ترین بازیگران، منطقه خاورمیانه، خلیج فارس و آسیای مرکزی و قفقاز به شمار آید. مهم‌ترین ویژگی ایران هم‌جواری با آسیای مرکزی و قفقاز و متصل بودن به خاورمیانه، خلیج فارس و آسیای جنوب غربی است. خطوط اصلی و اهداف کلان سیاست خارجی ایران در منطقه قفقاز جنوبی را می‌توان به این شرح برشمرد:

- تلاش در جهت ایفای نقش مؤثر در معادلات سیاسی، امنیتی و اقتصادی منطقه: تلاش ایران برای حضور در معادلات سیاسی، امنیتی و اقتصادی منطقه بر مبنای تحکیم همکاری با دولت‌های جدید و کمک به توسعه اقتصادی - اجتماعی آنان شکل گرفت. کمک ایران شامل تأمین دسترسی این کشورها به بازارهای بین‌المللی و توسعه روابط تجاری با آنان بود. احداث راه آهن مشهد - سرخس - تجن در مه ۱۹۹۶/ اردیبهشت ۱۳۷۵، که فاصله میان آسیای مرکزی و اروپا را به میزان ۳ هزار کیلومتر کاهش می‌داد در همین راستا بود.

عضویت جمهوری‌های جدید تازه تأسیس در سازمان همکاری اقتصادی (اکو) از دیگر اقدام‌هایی بود که ایران به همراه دیگر اعضای این سازمان به عمل آورد. سازمان اکو با تأکید بر همکاری‌های منطقه‌ای به ویژه در زمینه‌های انرژی، تجارت، حمل و نقل و ارتباط، ظرفیت مناسبی برای تقویت همکاری‌های منطقه‌ای است. ایران همواره آمادگی خود را برای تأمین دستیابی این کشورها به پالایشگاه، خطوط انتقال انرژی و حمل و نقل کالا و مسافر اعلام کرده است.

روشن است هر گونه بی‌ثباتی در آسیای مرکزی و قفقاز، تهدیدی علیه امنیت ملی ایران است. به همین دلیل ایران در پی راه‌هایی برای تأمین ثبات و امنیت منطقه است. ایران با در پیش گرفتن راهبرد فعال در قبال امنیت منطقه قفقاز سعی کرده است با مشارکت در ساز و کارهای امنیتی و همکاری در اجرای طرح‌های جلوگیری از درگیری‌ها و طرح‌های میانجی‌گریانه در برابر بحران‌ها در تحکیم ثبات و امنیت منطقه ایفای نقش کند. به این منظور سیاست ایران بر اعمادسازی، حذف عوامل تنش‌زا در منطقه و تلاش برای استقرار صلح پایدار تمرکز یافته است. تلاش مؤثر ایران برای استقرار صلح در تاجیکستان و خاتمه جنگ داخلی این کشور و نیز تلاش برای حل بحران قره باغ، نمونه‌های روشنی از سیاست ایران برای استقرار امنیت و ثبات در منطقه است.

- منطقه‌گرایی و تأکید بر راه حل‌های منطقه‌ای، از دیگر عناصر سیاست خارجی ایران در قبال منطقه قفقاز جنوبی است. البته این رویکرد، نفی نقش برخی نهادها و مجامع بین‌المللی

نیست. این دیدگاه زمینه ایجاد همکاری‌های سه جانبه میان ایران، برخی از کشورهای منطقه و خارج از منطقه را فراهم کرد. ایجاد و پیشبرد همکاری سه جانبه ایران - ارمنستان - ترکمنستان، ایران، ارمنستان - یونان، ایران - ترکمنستان - هند، ایران - گرجستان - ارمنستان و ایران - ارمنستان - اوکراین در زمینه‌های مختلف سیاسی و اقتصادی بیانگر تلاش ایران در این زمینه بود (Lowe & spencer, 26 July 2006) ز این نوع همکاری‌ها برای تحکیم موقعیت ایران به عنوان یک بازیگر فعال و مقابله با تلاش‌های آمریکا برای منزوی کردن ایران در منطقه شکل گرفت. اما به دلیل انگیزه‌های سیاسی و با تغییر شرایط اقتصادی - سیاسی این همکاری‌ها دچار ضعف شد. در ارزیابی اهداف و سیاست‌های ایران در منطقه، برخی معتقدند که ایران یک استراتژی منسجم و هدفمند نداشته و مانند سایر بازیگران منطقه‌ای، سیاسی واکنشی را در قبال تحولات منطقه قفقاز جنوبی در پیش گرفته است. نمی‌توان از این واقعیت چشم پوشید که اغلب بازیگران منطقه‌ای به دلیل حساسیت و پیچیدگی تحولات قفقاز، استراتژی یکپارچه و منسجم ندارند و در بیشتر موارد سیاست واکنشی دارند. برخی هم معتقدند ایران ظرفیت ایفای نقش ثبات بخش در قفقاز و دریای مازندران را دارد، ولی باید از آن استفاده کند. با این وجود می‌توان گفت که سیاست خارجی ایران و روابط با ارمنستان به صورت تابعی از سیاست‌ها و جهت‌گیری‌های این کشور نسبت به آسیای مرکزی و عوامل اثر گذار آن است. اگر چه ارمنستان امتیاز همجواری با ایران را دارد که وضعیت خاصی را به این کشور می‌دهد.

جمهوری ارمنستان و ویژگی‌های آن

الف - جغرافیای طبیعی: این کشور در خشکی محصور است و در جنوب قفقاز میان دریای سیاه و دریای مازندران بر سر راه اروپا و آسیا قرار گرفته است. مساحت این جمهوری ۲۹/۸۰۰ کیلومتر مربع و جمعیت آن حدود ۳/۷ میلیون نفر است که ۹۵ درصد آنان را ارمنی هستند. تاریخ ارمنستان و رفتارهای آرامنه بیش از هر قوم دیگری از وضعیت

جغرافیایی آنان متأثر است. ارمنستان سرزمین کوهستانی و صعب العبوری است. قله آراتات به ارتفاع ۵۲۰۰ متر مرتفع‌ترین نقطه آن است. کمبود زمین‌های قابل کشت همراه با زمستان‌های طولانی و طاقت فرسا از ویژگی‌های جغرافیایی این سرزمین است. این جمهوری قسمت کوچکی از غرب فلات ارمنستان را شامل می‌شود که در بین فلات ایران و آسیای صغیر قرار گرفته است (امیر احمدیان، ۱۳۷۶: ۹۵). ارمنستان از جنوب به ایران، از جنوب غربی به جمهوری خودمختار نخجوان، از غرب به ترکیه و از شرق به جمهوری آذربایجان محدود شده است.

ب- وضعیت اقتصادی: شاید مهمترین ویژگی اقتصادی ارمنستان مانند سایر جمهوری‌های سابق اتحاد شوروی را بتوان «در حال گذار بودن» دانست. سیستم اقتصادی این کشورها در حال انتقال از سیستم سوسیالیستی و دولتی به سیستم سرمایه داری و آزاد است. ولی عوامل داخلی که باعث فروپاشی اقتصاد شوروی شدند همچنان در سیستم اقتصادی این کشورها به حیات خود ادامه می‌دهند. عواملی مانند کاهش کارآیی، افزایش هزینه‌های بخش تولید، سطح پایین تکنولوژی، نبود انگیزه نوآوری در صنعت، ناکامی در بهبود کیفیت محصولات و تمرکزگرایی.

یکی از نتایج این تمرکز اقتصادی، ادغام اقتصاد متحدان سابق و به ویژه در جمهوری فدراتیو روسیه است که وارث اصلی اتحاد شوروی محسوب می‌شود. سیاست اقتصادی ارمنستان در چهارچوب گذار از سیستم سوسیالیستی به سیستم سرمایه داری شکل گرفته است. عمده‌ترین تلاش‌های دولتف تلاش برای خروج از حوزه روبل و اعلام پول ملی با عنوان درام، تلاش برای کنترل تورم و جلوگیری از سقوط بیشتر تولید ناخالص ملی است. دولت تلاش کرد واحدهای دولتی را به بخش خصوصی واگذار کند. تشویق صادرات انواع کالاها و خدمات از دیگر اقدام‌هایی است که دولت برای خروج از بحران اقتصادی در پیش گرفته است. ارمنستان یکی از صنعتی‌ترین جمهوری‌های پیشین شوروی است. در دهه ۱۹۸۰، حدود ۶۰ درصد تولیدهای این جمهوری را تولیدهای مربوط به بخش صنایع

تشکیل می‌داد و واردات و صادرات کالا بیش از ۵۰ درصد تولید ناخالص داخلی این کشور را در بر می‌گرفت (کولایی، ۱۳۷۸). در ارمنستان صنایع الکترونیک، ابزارآلات و صنایع خودروسازی در موقعیت مطلوبی قرار دارند و عمده‌ترین موارد صادراتی این کشور را تشکیل می‌دهند. در بخش مخاربرات نیز پیشرفت‌هایی مشاهده می‌شود. در زمینه ژنراتورهای برقی و ادوات الکتریکی در اندازه‌های بزرگ، وضعیت ارمنستان قابل توجه است. صنایع شیمیایی وضعیت چندان مناسبی ندارند و نیازمند تکنولوژیکی، لزوم اعمال مدیریت جدید و کارآمد و به کمک سرمایه‌گذاری و تکنولوژی مدرن خارجی رو به نوسازی گذشته، احیا می‌شوند.

ارمنستان منابع طبیعی مهمی نیز دارد. این کشور معادن طلا، نقره، مس، قلع، روی، آهن و مانند آن را دارد که از نظر صنعتی اهمیت دارند. برخی از آنها تاکنون مورد بهره‌برداری قرار نگرفته‌اند. با این وجود ارمنستان وارد کننده بزرگ نفت و گاز است و برای واردات بسیار متکی به روسیه است. اگر چه ترانزیت انرژی از طریق ارمنستان کوتاه‌تر و کم‌خطرتر از ترانزیت مطرح از طریق گرجستان است، اما ادامه کشمکش با آذربایجان سبب شده است که ارمنستان به عنوان یک کشور ترانزیت، نقشی را در توسعه انرژی درای مازنداران ایفا نکند (ابراهیم‌معاصر، ۱۳۸۲: ۴۸۰).

با وجود تحولات مثبت در اقتصاد ارمنستان، مسائل و مشکلاتی به صورت حل نشده پیش روی این کشور قرار دارد. برای تضمین روند توسعه لازم باید موانع عمده بر سر راه توسعه اقتصادی آن شناسایی شده و کنار گذاشته شوند. مشکلات و موانع اصلی بر سر راه توسعه اقتصادی ارمنستان به طور عمده ناشی از این عوامل است:

۱- مهم‌ترین مشکل اقتصادی ارمنستان ساختار برجا مانده از دوره اتحاد شوروی است که آثار آن هنوز هم پابرجا است. اقتصاد ارمنستان تحت نظام کمونیستی به شدت در اقتصاد سایر جمهوری‌ها ادغام شده بود. مشکلات ساختاری که ارمنستان با آن دست به‌گریبان است عبارتند از: بر هم خوردن سیستم اقتصاد سوسیالیستی و نداشتن آمادگی لازم برای

پذیرش و جذب اقتصاد بازار آزاد، نبود مدیریت و سیستم کنترل و نظارت بر واحدهای بزرگ اقتصادی، کاهش و قطع سرمایه در مراکز تولیدی و کاهش تولید، شکل‌گیری مافیای اقتصادی با آغاز روند خصوصی سازی، سازگاری نداشتن تکنولوژی موجود در بسیاری از کارخانجات با صنایع جدید جهان، مهاجرت نیروی کار ماهر به خارج از کشور و مانند آن.

۲- بحران قره باغ تأثیرهای منفی بر روند توسعه ارمنستان گذاشته است. به دلیل بحران میان ارمنستان و آذربایجان، و هزینه‌های نظامی و سیاسی توان اقتصادی ارمنستان است. علاوه بر نابودی صنایع و کاهش تولید، هزینه‌های عملیات جنگی و مشکلات ناشی از آوارگان باعث شده است سرمایه‌گذاری خارجی مناسبی در ارمنستان شکل نگیرد. پیامدهای سیاسی و امنیتی حل نشدن بحران نیز این کشور و منطقه را به عرصه رقابت قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی تبدیل کرده است.

۳- راه‌های زمینی قفقاز ویژگی ژئوپلیتیکی خاص خود را دارد. هر یک از واحدهای سیاسی قفقاز بدون همکاری واحدهای دیگر آن به سختی می‌تواند مسائل و مشکلات خود را حل کند. ارمنستان به عنوان یک کشور محصور در خشکی از نظر ژئوپلیتیکی محدودیت‌های بسیار و ناگزیری دارد. در یک نظم منطقه این کشور می‌بایست علایق کشورهای اطراف خود را مورد ملاحظه قرار دهد. بنابراین محاصره اقتصادی ارمنستان از سوی جمهوری‌های آذربایجان و ترکیه، در نتیجه بحران قره باغ بر اقتصاد آن تأثیر مخربی داشته است. قطع خطوط ارتباطی با کشورهای همسایه مشکلاتی را بر سر راه اصلاحات اقتصادی ارمنستان ایجاد کرده است.

۴- ارمنستان در راه اجرای برنامه‌های جدید اقتصادی و اصلاحات با موانع داخلی و سیاسی اجتماعی متعدد رو به روست. نکته مهم در این زمینه تأثیر آن بر همکاری‌های اقتصادی و جذب سرمایه‌گذاری خارجی است. این موانع عبارتند از:

- نظام دیوانسالاری فاسد که باعث اجرا نکردن کامل پروژه‌های اقتصادی می‌شود، - نظام قوانین اقتصادی این کشور که نواقص جدی دارد، - نبود سیستم تضمین اعتبار و سرمایه گذاری‌های خارجی در کشور، - نبود ثبات سیاسی و امنیت، - تعدد مراکز تصمیم‌گیری، - تغییر مدیریت سریع در رده‌های مختلف دولتی، - اقتصاد سایه و ضعف دولت در مدیریت اقتصاد کشور، - روند خصوصی سازی در بسیاری موارد با درگیری‌های سیاسی برخورد کرده و با مشکل روبه رو شده است.

با توجه به مطالب یاد شده می‌توان گفت ارمنستان ظرفیت‌ها و امکانات خوبی دارد. تقویت تدریجی استقلال اقتصادی با بهره‌گیری از مکانیسم بازار و روند خصوصی سازی، باعث حضور کشورهای اروپایی، آمریکا، ژاپن و کانادا در این کشور شده است. زمینه‌های مناسبی برای توسعه همکاری‌های ارمنستان و ایران وجود دارد که در صورت غفلت و کند عمل کردن، کشورهای دیگر جایگزین ما خواهند شد. جمهوری اسلامی ایران برای حفظ و گسترش تأثیر و نفوذ خود در قفقاز، نباید از توسعه اقتصادی و همکاری‌های استراتژیک با کشورهای قفقاز جنوبی از جمله ارمنستان غفلت کند.

عوامل مؤثر بر سیاست خارجی ارمنستان

اولین عامل تأثیر گذار بر سیاست خارجی ارمنستان جغرافیای این کشور است. ارمنستان با دو کشور قدرتمند ایران و ترکیه و دو کشور هم سطح خود از لحاظ قدرت یعنی گرجستان و آذربایجان همسایه است. اگر چه روسیه با ارمنستان مرز مشترک ندارد، اما به دلیل تأثیر بر روند تحولات منطقه‌ای از دیدگاه سیاست خارجی، ارمنستان یک کشور همسایه محسوب می‌شود. ارمنستان به دریای آزاد راه ندارد از این نظر برای رابطه با جهان به راه‌های موصلاتی همسایگان خود وابسته است. نکته مهمی که باید مورد توجه قرار گیرد، این واقعیت است که سیاست خارجی ارمنستان به موازات تغییر در کشورهای همسایه مجبور به سازگار کردن خود با این تحولات بوده است.

دومین عامل، تاریخی است. ملت ارمنستان یک احساس مشترک دارند که زمانی یکی ملت بزرگ بوده‌اند، اما تحت تأثیر عوامل مانند کنش متقابل با قدرت‌های سلطه جو به ملتی کوچک تبدیل شده‌اند. به دلیل شدممنی تاریخی امپراتوری عثمانی با ارمنه و در نتیجه کشتار ارمنه در زمان امپراتوری عثمانی و رابطه دشمنی با ترکیه به عنوان وارث امپراتوری، حضور روسیه در ارمنستان به عنوان یک عامل مثبت تلقی می‌شود که می‌تواند امنیت این کشور را تضمین کند. رابرت کوچاریان برخلاف اولین رئیس جمهور این کشور لئون ترپتروسیان معتقد است که موضوع قتل عام ارمنه در اولویت سیاست خارجی ارمنستان قرار دارد.

ملاحظات امنیتی، سومین عامل تأثیرگذار بر سیاست خارجی ارمنستان است. اتحاد شوروی یک سیستم امنیتی مناسب برای ارمنستان بود، اما با فروپاشی آن خلاء امنیتی ایجاد شده است. ارمنستان اینک برای تأمین امنیت خود علاوه بر تکیه به روسیه به سوی غرب و آمریکا نیز تمایل یافته است. چهارمین عامل، اقتصاد استن که در زمان شوروی در مسکو طراحی می‌شد، به همین دلیل تلاش دولت ارمنستان برای انتقال از اقتصاد متمرکز دولتی به اقتصاد آزاد باعث مشکلات زیادی شده است. پنجمین عامل، بحران قره باغ است. تداوم بحران قره باغ، باقی ماندن نیروهای نظامی و استراتژیک روسیه در ارمنستان و علایق متضاد بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در آن کشور بر حساسیت موضوع می‌افزاید (صدیقی، ۱۳۸۵، ص ۱۲۲). مهم‌ترین پیامد این بحران بر سیاست خارجی ارمنستان آن است که قادر به برقراری روابط مطلوب با جمهوری آذربایجان و همچنین ترکیه که از مواضع آذربایجان دفاع می‌کند، نیست. پیامد دیگر ناشی از این بحران، تأثیر منفی بر توانایی این کشور در پیگیری یک سیاست خارجی فعال در منطقه و سطح بین‌المللی است.

همواره محافلی در ارمنستان بوده‌اند که نسبت به قسمت‌هایی از جمهوری آذربایجان و گرجستان ادعاهای ارضی داشته‌اند. در یازدهم مهر ۱۳۷۹، شورای ملی ارمنه نخجوان در ارمنستان اعلام موجودیت کرد. این شورا در آغاز تأسیس با صدور بیانیه‌ای به طور صریح

نسبت به بخش‌هایی از نخجوان ادعاهای ارضی کرد و خواستار توجه مجامع بین‌المللی به حقوق خود و الحاق نخجوان به جمهوری ارمنستان شد (کاظمی، ۱۳۸۴: ۵۲). ششمین عامل مؤثر بر سیاست خارجی، سیاست داخلی و بازیگران سیاسی اعم از احزاب و گروه‌ها هستند که به نظر می‌رسد هر یک به روسیه، آمریکا و یا ایران و یا سایر کشورها تمایل دارند. تارمنستان برای گسترش روابط خارجی خود با مشکلاتی همچون نبود توانایی اقتصادی برای گسترش روابط خارجی، کمبود نیروی متخصص دیپلماتیک، بحران قره باغ و سیاست‌های روسیه برای کنترل روابط خارجی جمهوری‌های جدید استقلال یافته دست به گریبان است. مهم‌ترین اهداف سیاست خارجی ارمنستان حل بحران قره باغ به گونه‌ای که امنیت همه جانبه ارامنه قره باغ تأمین شود و بازگشت امنیت و ثبات به منطقه برای فراهم آمدن زمینه برای توسعه کشورهای منطقه و همچنین برقراری روابط منطقی با قدرت‌های بزرگ کشورهای همسایه است (Laitin and suny, 12).

روابط تاریخی بین دو کشور ایران و ارمنستان:

روابط ایران و ارمنستان از نظر تاریخی یکی از قدیمی‌ترین و طولانی‌ترین روابط میان ملت‌ها است. سابقه روابط این دو کشور همسایه به حدود ۳۰۰۰ سال پیش بر می‌گردد و تاریخ ارمنستان را نمی‌توان بدون آشنایی با تاریخ ایران، بطور دقیق مطالعه کرد و شناخت. پس از پایان جنگ جهانی اول و استقلال ارمنستان در ۲۸ مه ۱۹۱۸، روابط ارمنستان با ایران وارد مرحله نوینی شد. ارمنستان در این زمان از ناحیه غرب مورد تهدید ترکیه قرار داشت و در شرق و برسر مناطق قره باغ و زنگه زور در جنگ با آذربایجان بود. درمرزهای شمالی، ارمنستان و گرجستان برسر مناطق آخال کلک و لوری اختلافاتی را داشتند و در داخل ارمنستان نیز بلشویک‌ها تلاشهایی را برای ساقط کردن حکومت جمهوری آغاز نموده بودند. به همین دلیل تنها مرز امن ارمنستان، مرز جنوبی آن کشور با ایران بود و به همین دلیل جمهوری ارمنستان اهمیت ویژه‌ای را به روابط خود با ایران می‌داد و انتخاب و

اعزام پرنس هوسپ آرغوتیان به تهران به عنوان سفیر ارمنستان در ایران، نشان از اهمیتی داشت که ایروان به روابط خود با تهران می‌داد. اما در این سوی مرز، در ایران، سالهای ۱۹۱۸ تا ۱۹۲۰ سالهای بی ثباتی است و ایران در آنچنان وضعیت سیاسی و اقتصادی متشنجی قرار دارد که حتی قادر نیست اوضاع داخلی خود را سرو سامان بخشد و دولتها یکی پس از دیگری سقوط می‌کنند و بیشتر نگاهها متوجه درگیریهای گیلان و خراسان و قرار داد ۱۹۱۹ و وثوق الدوله - کاکس و سایر مشکلات داخلی است و کمتر کسی به فکر روابط خارجی و استفاده از اوضاع سیاسی پیش آمده در قفقاز است. با این وجود دولتن ایران در پاییز سال ۱۹۱۹ هیئتی را به سرپرستی سید ضیاءالدین طباطبایی که از نزدیکان وثوق الدوله (صدراعظم) بود به باکو فرستاد تا در مرحله نخست زمینه انعقاد قرار داد مودت و همکاری بین ایران و جمهوری آذربایجان و در مرحله بعدی ایران با ارمنستان و گرجستان را فراهم سازد که به علت سرعت روند تحولات در این منطقه و سقوط جمهوریهای سه گانه نتیجه‌ای از این سفر عاید نشد.

در ارمنستان نیز اوضاع نابسامان سیاسی و اقتصادی، مانع بزرگی بر سر راه گسترش روابط این کشور با ایران بود و تنها قرار دادی که در این دوران پیش نویس آن توسط دولت ارمنستان تهیه شد و باید مورد مذاکره ایران و ارمنستان قرار می‌گرفت قرار داد تأسیس خط آهن باطوم - قارص - ایروان - تبریز بود که به علت سقوط جمهوری ارمنستان، این مذاکرات هیچوقت شروع نشد. (سیمون وراتسیان. جمهوری ارمنستان. ص ۴۲۵). در کل ما در این دو ساله کمتر شاهد گسترش خاصی در روابط دو کشور هستیم و پس از سقوط جمهوری ارمنستان در سال ۱۹۲۰ نیز روابط این کشور با ایران در چهارچوب روابط ایران و شوروی قرار می‌گیرد.

روابط سیاسی ارمنستان و جمهوری اسلامی ایران پس از استقلال

با فروپاشی اتحاد شوروی در ۱۹۹۱ و شناسایی جمهوری ارمنستان توسط جمهوری اسلامی ایران، روابط این دو کشور وارد مرحله فعلی می‌شود. در این مدت چند ساله،

روابط ایران و ارمنستان فراز و نشیب‌هایی را پشت سر نهاده که بیش از همه متأثر از درگیری‌های منطقه قره باغ بوده است. در نخستین ماه‌های استقلال ارمنستان، روابط ایران و ارمنستان با شتاب نسبتاً زیادی روبه گسترش نهاد و در اولین روزها ارتباط تلفنی بین ایران و ارمنستان برقرار گردید. در اوایل فوریه نیز وزیر امور خارجه ارمنستان، طی سفری به تهران با رئیس جمهور، رئیس مجلس شورای اسلامی و وزیر امور خارجه دیدار کرده و زمینه‌های گسترش روابط میان دو کشور و همچنین میانجیگری ایران در بحران قره باغ مورد بررسی قرار گرفت. در این دیدار موافقتنامه‌ای در ۳۷ ماده در زمینه همکاری‌های مختلف اقتصادی، تجاری، انرژی، فرهنگی، ورزشی و توریسم به امضای وزارت خارجه دوطرف رسید. (وزارت امور خارجه جمهوری ارمنستان. سخنگوی دیپلماتیک، ۱۹۹۳: ۲۱).

حدود ۲۰ روز پس از سفر رافی هوانسیان وزیر خارجه وقت ارمنستان به تهران، دکتر ولایتی وزیر سابق امور خارجه جمهوری اسلامی ایران طی سفری به آذربایجان و ارمنستان، زمینه‌های میانجیگری ایران را در بحران قره باغ و همچنین گسترش روابط با دو کشور را مطالعه کرده و سپس به تهران بازگشت (روزنامه کیهان، ۱۰ اسفند ۱۳۷۰، صفحه اول). با توجه به تلاش‌های دکتر ولایتی در منطقه و برگزاری کنفرانس سه جانبه در تهران با شرکت وزیر امور خارجه ایران و مشاورین عالی رؤسای جمهور آذربایجان و ارمنستان، توافقاتی در تهران در مورد آتش بس در قره باغ به امضا رسید که منجر به اولین آتش بس نسبتاً پایدار پس از حدود ۴ سال جنگ در منطقه شد (روزنامه اطلاعات، ۲۶ اسفند ۱۳۷۰، صفحه اول و دوم). سپس با سفر آقای واعظی معاون قبلی اروپا و آمریکای وزارت امور خارجه به منطقه، تلاش‌های میانجیگرانه ایران در بحران قره باغ ادامه یافت و این تلاشها منجر به این شد که لئون ترپتروسیان رئیس جمهور ارمنستان و یعقوب محمد اف کفیل ریاست جمهوری آذربایجان با میانجیگری آقای هاشمی رفسنجانی ریاست سابق جمهوری ایران، موافقت نامه‌ای را درباره آتش بس در منطقه در ماه مه ۱۹۹۲ در تهران امضا کردند. این موافقتنامه نقطه عطفی در اقدامات میانجیگرانه ایران در بحران قره باغ محسوب شده و به

همین دلیل بسیاری از قدرتهای خارجی و جناحهای مختلف سیاسی منطقه که نفوذ ایران را در قفقاز به زیان خود می‌دانستند، تلاش‌های زیادی را در جهت شکست این توافقنامه آغاز کردند.

طی سفر آقای لئون ترپتروسیان به ایران، با افتتاح پل موقت مغری بر روی رود ارس، ارتباط زمینی ایران و ارمنستان برقرار گردید و موافقتنامه ای در ۲۱ ماده به امضای رؤسای جمهوری اسلامی ایران و جمهوری ارمنستان رسید که مکملی بر موافقتنامه قبلی که در سطح وزرای امور خارجه به امضاء رسیده بود، می‌باشد. (وزارت امور خارجه ارمنستان، همان: ۲۵-۲۲) چندماه بعد سفارت جمهوری اسلامی ایران در ایروان و سفارت جمهوری ارمنستان در تهران افتتاح شد و روابط دو کشور در سطح کاردار برقرار شد. در این زمان کاردار ارمنستان در تهران آقای واهان بایورتیان و کاردار ایران در ایروان آقای قاسمی بود. بعدها کاردار ایران در ارمنستان تغییر کرد و آقای سبحانی به عنوان کاردار ایران در ارمنستان شروع به خدمت نمود و تا تعیین سفیر جمهوری اسلامی ایران در ارمنستان به کارش ادامه داد. در حال حاضر بایوردیان سفیر ارمنستان در تهران و نیک کار اصفهانی سفیر ایران در ایروان می‌باشد. پس از افتتاح سفارتهای دو کشور در پایتختهای یکدیگر روابط دو کشور همراه با فراز و نشیبهایی روبه توسعه نهاد و وزرای خارجه دو کشور بارها از پایتختهای یکدیگر دیدار کرده‌اند و موافقتنامه ای فرهنگی، تجاری و فنی گوناگونی به امضای دو کشور رسیده است. از سال ۱۳۷۳ نیز سطح روابط دو کشور به سطح سفارت ارتقا یافت و آقای نیک کار اصفهانی به سمت سفیر جمهوری ارمنستان تعیین و به ایروان اعزام شد. طی سالهای اخیر نیز آقای لئون پتروسیان رئیس جمهور پیشین ارمنستان برای افتتاح طرحهای مختلف حمل و نقل همچون راه آهن بافق - بندعباس و سرخس تجن از ایران بازدید رسمی نموده و در ملاقاتهای خود با ریاست جمهوری اسلامی ایران و هیئتهای ایرانی که از ایروان دیدار کرده‌اند بر ارتقای هرچه بیشتر روابط ارمنستان با ایران تأکید زیادی کرده است.

از سوی دیگر سفر آقای دکتر حبیبی معاون اول ریاست جمهوری اسلامی ایران به ایروان در دی ماه ۱۳۵۷ در اس یک هیئت بلندپایه که به امضای ۱۲ موافقتنامه و یادداشت تفاهم در زمینه‌های اقتصادی، فرهنگی و سیاسی انجامید از جمله نقطه عطفهای مهم در روابط دو کشور بشمار می‌رود. یک ماه پس از سفر دکتر حبیبی به ارمنستان، یعنی در بهمن ۱۳۷۵، آقای بابکن آراکتسیان سفری ۳ روزه به تهران داشتند که طی این سفر با رؤسای قوه مجریه و مقننه یعنی حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی و حجت الاسلام ناطق نوری دیدار کردند. از جمله مهمترین دستاوردهای این سفر تشکیل گروه دوستی پارلمان بین دو کشور و همچنین تأکید بر این نکته بود که هیچ محدودیتی برای گسترش روابط ایران و ارمنستان وجود ندارد. همچنین در این سفر قرار دادهای احداث یک کارخانه داروسازی در ایروان، حل مسائل مالی خط لوله گاز ارمنستان و انتقال گاز مایع به این کشور و احداث تونل کاجاران بین دو کشور به امضا رسید. (روزنامه سلام. ۱۶ بهمن ۱۳۵۷: ۳)

از جمله چهارچوبهایی که طی چند ساله اخیر باعث نزدیکی هرچه بیشتر دو کشور به یکدیگر گشته است اجلاسهای سه جانبه ای است که در سطح وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران، ارمنستان و ترکمنستان آغاز شده و نتایج پرباری را برای سه کشور به دنبال داشته است. همچنین یک چنین تجربه‌ای با شرکت دو کشور ایران و ارمنستان با یونان آغاز شده است. در این رابطه بارها وزرای خارجه دو کشور در تهران، ایروان، عشق آباد با هم دیدار کرده‌اند و با آخرین تحولات و دیدگاههای دو کشور آشنا شده‌اند. این امر باعث نزدیکی هرچ بیشتر دو کشور به یکدیگر شده است. در حال ارمنستان به جمهوری اسلامی ایران به عنوان قدرتی منطقه‌ای می‌نگرد که می‌تواند در تأمین امنیت و منافع ملی ارمنستان نقش بسیار قابل توجهی را ایفا کند. کلاً ارمنستان در گسترش روابط خود با ایران عوامل زیر را مد نظر دارد: بهره برداری از راههای آهن و شوسه، خطوط مواصلاتی و بنادر ایران جهت ترانزیت کالا به مقصد ارمنستان با توجه به امنیت راههای ایران و با توجه

به اینکه ارمنستان به دلیل خصومت دیرینه با ترکیه و آذربایجان قادر به استفاده از راه‌های این دو کشور نمی‌باشد.

- منابع سرشار ایران جهت پاسخگویی به نیازهای ارمنستان بویژه نیازهای استراتژیک انرژی. - ارتباط با خلیج فارس و آب‌های آزاد جهان - استفاده از بازارهای ایران برای فروش کالاهای ساخت ارمنستان. - وجود جامعه ارمنی تبار ۲۰۰ هزار نفری در ایران و وجود اشتراکات فرهنگی و سنتی و تعانس بافت اجتماعی. - سهل الوصول بودن، کمی مسافت و پایین بودن هزینه‌های حمل و نقل. - استفاده از تجربیات توسعه ایران. - ایجاد موازنه در روابط خارجی با سایر قدرتهای منطقه‌ای و جهانی. - همکاری با یک کشور قدرتمند اسلامی به منظور خنثی نمودن تبلیغات در جهت مذهبی قلمداد نمودن بحران قره باغ. - پاسخ مثبت به بخش قابل توجهی از مردم ارمنستان که متولد ایران بوده و خواهان رابطه گسترده‌تر با ایران می‌باشند. همچنین افکار عمومی و احزابی که خواهان گسترش روابط همه جانبه با ایران هستند.

روابط اقتصادی بین ایران و ارمنستان

روابط اقتصادی میان ایران و ارمنستان به طور رسمی پس از سفر رئیس جمهور پیشین ارمنستان به تهران آغاز شد. با وجود اینکه روابط با حجم بالایی آغاز شده بود، ولی به دلیل پاره‌ای مسائل سیاسی از حجم آن کاسته شد. دو کشور جمهوری اسلامی ایران و جمهوری ارمنستان در زمینه‌های اقتصادی مختلفی اقدام به همکاری نموده‌اند و اسناد اقتصادی زیر میان دو کشور به امضا رسیده است:

- همکاری‌های اقتصادی و بازرگانی - همکاری‌های بانکی - احداث پل دائم بر روی رودخانه مرزی ارس. - همکاری‌های پستی مخابراتی - احداث خط لوله گاز میان دو کشور. - موافقتنامه حمل و نقل هوایی و جاده‌ای. - برقراری پروازهای مستقیم بین ایروان با تهران و کیش. - همکاری علمی در زمینه زلزله شناسی. - فروش مایحتاج غذایی به ارمنستان.

طی سفر دکتر حبیبی به ارمنستان از جمله چهارچوبهایی که مورد توجه ویژه قرار گرفت، همکاری‌های اقتصادی، مالی، انرژی و فنی بود. رئیس جمهور سابق ارمنستان و معاون او رئیس جمهور اسلامی ایران در یادداشت تفاهمی که در ۲۸ دسامبر ۱۹۹۶ (۸ دی ۱۳۷۵) به امضاء رساندند، بر ایجاد کمیته‌های اقتصادی مالی، انرژی و فنی ذیل توافق نمودند:

کمیته تأمین مالی خط انتقال گاز، کمیته همکاریهای گمرکی؛ همکاری‌های مخابراتی و پستی؛ کمیته همکاریهای بازرگانی؛ کمیته همکاری در زمینه حمل و نقل؛ کمیته صنعت، کمیته همکاری اقتصادی سه جانبه؛ کمیته همکاریهای بانکی، کمیته انرژی. در این میان می‌توان به توافقنامه همکاریهای راه و ساختمان، یادداشت تفاهم همکاری بین وزارت معادن و فلزات جمهوری اسلامی ایران و وزارت صنایع جمهوری ارمنستان، یادداشت تفاهم بین شرکت لامپ پارس شهاب از ایران و شرکت لوئیس ارمنستان، یادداشت تفاهم بین وزارت بازرگانی جمهوری اسلامی ایران و وزارت تجارت، خدمات و جهانگردی ارمنستان، یادداشت تفاهم حمل و نقل، یادداشت تفاهم همکاریهای گمرکی، یادداشت تفاهم بین وزارت خانه‌های انرژی ارمنستان و شرکت ملی گاز و صنایع پتروشیمی جمهوری اسلامی ایران، یادداشت تفاهم بین وزارت ارتباطات جمهوری ارمنستان و وزارت پست و تلگراف و تلفن جمهوری اسلامی ایران و یادداشت تفاهم در خصوص همکاریهای کنسولی در حمل و نقل بین المللی و جاده‌ای نیز به عنوان مهمترین دستاوردهای سفر اخیر دکتر حبیبی به ارمنستان بود.

جدول شماره ۱ و ۲ حجم مبادلات تجاری میان جمهوری اسلامی ایران را با ارمنستان طی سالهای ۱۳۷۳ و ۱۳۷۵ نشان می‌دهد.

جدول ۱: مبادلات تجاری جمهوری اسلامی ایران و ارمنستان در سال ۱۳۷۳.^۱

| ارزش به دلار آمریکا | وزن | |
|---------------------|----------|----------------------------------|
| ۳۰۰۵۷۰۰۵ دلار | ۴۱۳۱۸ تن | صادرات غیر نفتی ایران و ارمنستان |
| ۶۲۵۶۲۸۸ دلار | ۶۱۲۰ تن | واردات ایران از ارمنستان |

جدول ۲: مبادلات تجاری اسلامی ایران و ارمنستان در سال ۱۳۷۵،۲

| ارزش به دلار آمریکا | وزن | |
|---------------------|-----------|-----------------------------------|
| ۵۲۵۳۹۰۰۰ دلار | *** | صادرات غیر نفتی ایران به ارمنستان |
| ۳۱۶۵۸۹۲۰ دلار | ۴۳۲۷۷۹ تن | واردات ایران از ارمنستان |

همانگونه که در این دو جدول می‌بینیم حجم تجاری دو کشور طی سالهای ۱۳۷۳ تا ۱۳۷۵ به مقدار قابل توجهی رشد داشته است و خصوصاً میزان صادرات ارمنستان به ایران افزایش قابل توجهی یافته و در طول مدتی کمتر از دو سال از نظر وزنی تقریباً ۷ برابر واز نظر ارزش دلاری تقریباً ۵ برابر شده است.

روابط فرهنگی بین جمهوری اسلامی ایران و ارمنستان

ارمنستان طی قرون متوالی تحت حاکمیت ایران بوده است. به همین دلیل آمیختگیها و اشتراکات فرهنگی فراوانی میان دو کشور و دو ملت مشاهده می‌شود. در حال حاضر دو کشور در زمینه‌های زیر فعالیتهای فرهنگی دارند. همکاری توریستی. همکاری در جشنواره فیلم. گسترش زبان ارمنی و فارسی در هر دو کشور. ایجاد کتابخانه با کتابهای فارسی در ایروان. تبادل فیلم. همکاری‌های گسترده ورزشی. همکاری در زمینه موسیقی. ایجاد کرسی زبان فارسی در دانشگاه ایروان. تولید برنامه به زبان فارسی در تلویزیون ارمنستان.

^۱- گمرک جمهوری اسلامی ایران، سالنامه و بازرگانی خارجی ایران، ۱۳۷۳. جدول‌های اول و دوم (صادرات و واردات) (تهران: معاونت طرح و برنامه گمرک جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۳).

^۲- گمرک جمهوری اسلامی ایران. سالنامه آمار بازرگانی خارجی ایران، ۱۳۷۵. جلد‌های اول و دوم (صادرات و واردات) تهران مطالعات پژوهشهای بازرگانی، (۱۳۷۵).

از جمله یکی از مواردی که طی سفر دکتر حبیبی به ارمنستان مورد توجه ویژه قرار گرفت بسط فرهنگی بود. در این سفر عمده وقت دکتر حبیبی به شرکت در مراسم‌هایی گذشت که از سوی دانشگاه‌های مختلف ایروان و آکادمی‌های علوم ترتیب یافته بود. طی این سفر دکتر حبیبی مرکز مطالعات ایران‌شناسی در قفقاز را افتتاح نمود، از نمایشگاه‌های تابلوهای نقاشی ایران و عملیات بازسازی مسجد ایروان بازدید نمود. همچنین یکی از بندهای مهم توافقات پایانی این سفر تشکیل کمیته همکاری علمی و فرهنگی بین ایران و ارمنستان بود.

تأثیرات انقلاب اسلامی بر تحولات سیاسی قفقاز و ارمنستان

۱- تأثیرات معنوی

از سال ۱۹۷۹ که انقلاب اسلامی ایران به پیروزی رسید تا زمانی که اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۱ منحل شد، سیاست خارجی انقلاب در برابر قفقاز را باید با حضور شوروی مورد مطالعه قرار داد. مسکو در نظر داشت با کشیدن دیوار نفوذ ناپذیر به دور جمهوری‌هایش، آنان را از مخاطرات ایدئولوژی‌های غیر مارکسیستی دور نگه دارد. از این رو، وقوع انقلاب اسلامی ایران، می‌توانست به عنوان منتقل کننده ویروس خطرناک ناآرامی و تنش برای قلمرو شوروی تلقی شود. ایده ایجاد «کمربند سبز» [Green belt] از آغاز دهه ۱۹۸۰ در اطراف اتحاد شوروی از همین زمان مطرح شد (کولایی، ۱۳۸۴، ص ۱۹۱). آنچه به انقلاب اسلامی در خصوص تحولات سیاسی قفقاز مربوط می‌شود، این است که انقلاب اسلامی در تعیین ایدئولوژی و جهت‌دهی مشی سیاسی قفقازی‌ها، دو مرحله را طی نمود:

الف) پیش از فروپاشی شوروی (۱۹۹۱ - ۱۹۷۹)

وقایع و پیام‌های انقلاب در درون قلمرو شوروی سابق، به ویژه میان مسلمانان، جذابیت فراوانی داشت. کاریزمای شخصیت امام خمینی؛ چنان بود که تأثیر شگرف ایشان بر

میلیون‌ها انسان، اعم از مسلمان و غیر مسلمان در قفقاز شمالی و جنوبی، قابل انکار نیست. گورباچف در سال ۱۹۸۵ با طرح فضای باز سیاسی (گلاسنوست)، تا حدودی به جمهوری‌ها آزادی عمل داده بود اما در عین حال، مسکو از فعالیت‌های تبلیغی انقلاب اسلامی شدیداً نگران بود. با توجه به رشد انتشارات مذهبی زیرزمینی و مخفیانه و با روش‌های تبلیغاتی که در انقلاب اسلامی ایران مورد استفاده قرار می‌گرفت، استدلال کرد که اسلامی‌شدن، جریان پیدا کرده، انتشارات مذهبی به طور گسترده تایپ و تکثیر می‌شود و از متون مقدس اسلامی و سخنرانی‌های مقامات مسلمان، نوارهای کاست، تهیه و ضبط می‌گردد (بالیف، ۱۳۷۵: ۱۹۷). پیام‌رهایی بخش انقلاب اسلامی، احساسات آزادی‌خواهی غیر مسلمانان منطقه قفقاز را نیز شدیداً تحریک نمود. انقلاب اسلامی توانسته بود نظام استبدادی سلطنتی در ایران، نظیر نظام استبدادی کمونیستی در شوروی را براندازد. از این لحاظ، مطالعه دست‌آورد آزادی بخش انقلاب اسلامی برای آنان جذابیت بسیار داشت. فرهاد کلینی از کارشناسان مسائل قفقاز در خصوص تأثیر انقلاب اسلامی بر احساسات استقلال طلبی قفقازی‌ها معتقد است: "انقلاب اسلامی باعث ایجاد روحیه مخالفت در کشورهای این منطقه با حاکمیت شوروی و استقلال طلبی آنها شد و آنها از انقلاب ایران برای حرکت استقلال طلبانه خود الهام می‌گرفتند و این تأثیرات با توجه به خصوصیات خاص انقلاب اسلامی در نگرش عمیق و برداشت صحیح از توحید، اثرات انقلاب را به شیعیان و مسلمانان محدود نکرده و در ارمنستان نیز نفوذ زیادی داشته؛ به طوری که مردم ارمنستان بعد از وقوع جنگ تحمیلی، اخبار آن را خیلی دقیق پی‌گیری می‌کردند." (شیرازی، ۱۳۷۰:

(۳۳۴)

نامه امام خمینی به گورباچف - که در سال ۱۹۸۹ برای رهبر شوروی نگاشته شد - نقطه عطفی در فرایند تأثیرگذاری معنوی و نظری انقلاب اسلامی بر تحولات سیاسی قفقاز محسوب می‌شود. این نامه پرمحتوا که پیش‌بینی «فروپاشی مارکسیسم»، نکته محوری آن بود، تأثیر روشنی بر افکار عمومی مردم شوروی، از جمله قفقازی‌هایی گذاشت که

اشتراکات تاریخی، فرهنگی، نژادی و عقیدتی با ایران داشتند. نیکلای میشین، نویسنده مشهور روسیه در این زمینه نوشت: "وقتی امام، نامه را خطاب به گورباچف نوشتند، دولتمردان وی تلاش کردند متن نامه امام در جامعه منتشر نشود؛ زیرا از تأثیر متن نامه امام در جامعه هراس داشتند" (روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۷۸/۵/۲۶: ۱۱) گورباچف در ژانویه ۱۹۹۰ به ایران هشدار داد که از مداخله در امور داخلی جمهوری‌های همسایه، خصوصاً آذربایجان و دامن زدن به رادیکالیسم اسلامی و استقلال طلبی دست بر دارد (روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۷۸/۳/۲۵: ۲).

ب) پس از فروپاشی شوروی (از ۱۹۹۱ تا کنون)

فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و تشکیل جمهوری‌های جدید مستقل در آسیای مرکزی و قفقاز، رویدادی پرمعنا در تاریخ معاصر است. در این زمان ایران به جای آن که با یک کشور قدرت‌مند، به نام شوروی، طرف باشد، با چند کشور ضعیف حاصل از انحلال مواجه شده بود که از یک سو کشورهای آذربایجان، ارمنستان و گرجستان خود را در جوار یک ایران انقلابی می‌دیدند و از طرف دیگر با شکست ایدئولوژی مارکسیسم، این کشورها به نوعی دچار خلأ ایدئولوژی شده بودند. این شرایط برای انقلابی که بیش از یک دهه از عمرش می‌گذشت، بسیار مساعد بود که پیام و روح انقلابش را به مردم این کشورها منتقل کند. بیشترین انتقاد اصول‌گرایان در ایران بر دستگاه دیپلماسی انقلاب از این ناحیه است که در صدور انقلاب به اندازه کافی از خود جدیت نشان نداده است. حقیقتی روشن در خصوص تغییر ایدئولوژیکی سیاست نظری انقلاب اسلامی پس از فروپاشی به چشم می‌خورد و آن، این‌که؛ انقلاب اسلامی پس از فروپاشی شوروی، زمانی که با قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای در رابطه با قفقاز به رقابت افتاد، تا حدود زیادی از سیاست آرمان‌گرایی به سیاست واقع‌گرایی متمایل شد. از باب نمونه، علی‌رغم برخی اقدامات اولیه در دهه ۱۹۹۰ برای حمایت از بنیادگرایی اسلامی در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی، ایران به طور کلی، حمایت خود را از این دیدگاه برداشته و به جای آن بر

توسعه اقتصادی تمرکز کرده بود. در حقیقت، ایران، نزدیک‌ترین روابط منطقه ارمنستانی مسیحی، نزدیک‌ترین دوست روسیه در قفقاز جنوبی دارد (تامس سانیا و دیگران، ۱۳۸۲: ۲۹۹) البته در خصوص آذربایجان با توجه به زمینه‌های مشترک فراوان، انقلاب اسلامی بر گرایش‌های سیاسی آذری‌ها تأثیرگذار بوده است؛ به طوری که به دنبال بروز جدی علائم فروپاشی شوروی، اندیشه گرایش به ایران در حد وسیعی در بین مردم عادی و روشنفکران آذری و شکل تجمع در کنار مرزها و هجوم به سمت ایران با عبور از رود ارس، حتی در فصل زمستان به وسیله شنا و با گذشتن از خشکی با کندن سیم خاردارهای مرزی و دادن شعارهای وحدت، جلوه‌گر شد. انگیزه توده‌های مردم از این حرکات، بازگشت به اصالت‌هایی بود که به وسیله روس‌ها از ایشان سلب شده بود (شیخ عطار، ۱۳۷۳: ۸۸) از دیدگاه بسیاری از صاحب‌نظران، جمهوری اسلامی ایران با الگوی اسلامی خود در صدد بود تا در مقابل الگوی لائیک و لیبرال ترکیه و غرب، در صدد جای‌گزین شدن به جای الگوی کمونیستی باشد. اما از همان ابتدا، آمریکایی‌ها و دیگران کوشیدند به شیوه‌های مختلف، فعالیت‌های ایران را محدود سازند. لذا ایران در این مقطع در قالب ائتلاف اعلام نشده با روسیه در برابر آمریکا، اروپا، ترکیه و اسرائیل، تا حدی از شعار مورد تأکید امام خمینی: «مبنی بر «صدور معنوی انقلاب» فاصله گرفت. در واقع، منافع اقتصادی ایران، در حفظ ثبات منطقه‌ای، برتر از تمایلات ایدئولوژیکی برای گسترش انقلاب اسلامی با سیاست‌های قومی (آذربایجان) بوده است. (تامس سانیا و دیگران، ۱۳۸۲: ۳۰۱)

ب) تأثیرات عینی:

برخی سه سطح تحلیل منطقه‌ای را برای فهم سیاست راهبردی انقلاب اسلامی در قبال قفقاز بر شمرده‌اند: «همکاری‌های اقتصادی منطقه‌ای»، «علاقه‌مندی به گسترش سازمان‌های منطقه‌ای» و «ایفای نقش در منازعات و بحران‌های منطقه». (سجادپور، ۱۳۷۳: ۱۱) به طور کلی برای سنجش توفیقات انقلاب اسلامی در این سه سطح می‌توان گفت که انقلاب اسلامی در تأثیر عینی بر تحولات سیاسی قفقاز پس از فروپاشی شوروی، دو مرحله را

پشت سر گذاشت؛ از زمان فروپاشی تا سال ۱۹۹۵ مهم‌ترین راهبرد، تأکید بر استقلال این کشورها، تقویت همکاری‌های منطقه‌ای، توسعه همکاری‌های تجاری و اقتصادی، ارائه مزیت‌های ترانزیتی، پرهیز از اقدامات تنش‌زای رفع اختلافات در منطقه، تأکید بر نفی سلطه قدرت‌های بیگانه در منطقه و تأکید بر حل و فصل مسالمت‌آمیز و تلاش برای رفع اختلافات، و تقویت اعتماد فی‌مابین ایران و کشورهای منطقه بود. مقطع دوم، از سال ۱۹۹۵ تاکنون است که روابط آذربایجان، ارمنستان و گرجستان با جهان غرب و ترکیه، رشد قابل ملاحظه‌ای نموده و تبلیغات ضد انقلاب اسلامی در این کشورها شدت گرفته است که البته بی‌توجهی، عدم شناخت و فرصت‌سوزی مسئولین دستگاه دیپلماسی انقلاب اسلامی، در این رابطه تأثیرگذار بوده است. (مرادی، ۱۳۸۵: ۶۶) بنابراین به تبع افت قدرت مانور انقلاب اسلامی در سه سطح یاد شده، فرایند تأثیر گذاری بر تحولات سیاسی قفقاز از زمان فروپاشی شوروی سیر نزولی داشته است. در این جا تأثیرات عینی انقلاب اسلامی بر تحولات سیاسی سه کشور حوزه قفقاز جنوبی را مطالعه می‌کنیم.

تأثیرات اقتصادی، سیاسی و فرهنگی انقلاب اسلامی ایران بر ارمنستان:

انقلاب اسلامی ایران، انقلابی غایت‌گرا و آرمان‌گرا مبتنی بر اصول اسلامی بود که موجب تحول شگرفی در عرصه روابط بین‌الملل و معادلات سیاسی دولت‌های جهان پدید آورد؛ زیرا پیروزی انقلاب اسلامی ایران در شرایطی حاصل شد که هنوز جنگ سرد وجود داشت و دو قدرت برتر به مقابله هژمونیک و ایدئولوژیک با یکدیگر می‌پرداختند. در این بین فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی موجب دگرگونی‌های ژئوپلتیک در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی شد.

دو ملت ایران و ارمنستان مشترکات تاریخی، فرهنگی و سیاسی زیادی دارند و جمهوری اسلامی ایران همیشه میزبان خوبی برای هم‌میهنان ارمنی و همسایه‌ی نیکی برای کشور ارمنستان بوده است. ایرانیان و آرامنه روابط دیرپا و چندین هزار ساله دارند و نباید این

پیشینه‌ی ارزشمند و غنی تاریخی را تنها در قالب روابط بیست ساله‌ی سیاسی دو کشور محدود دید، اما بیست سال زمان برای تجلی ظرفیتها و به جای گذاشتن کارنامه‌ای قابل بررسی و داوری زمان مناسبی است و لذا از فرصت کنونی می‌توان برای جمع‌بندی و ارزیابی دستاوردها استفاده کرد (مرادی، ۱۳۸۶: ۶۸-۷۱). در واقع ارمنستان بعد از فروپاشی شوروی در ۲۱ سپتامبر ۱۹۹۱ اعلام استقلال کرد و جمهوری اسلامی ایران در ۲۵ دسامبر ۱۹۹۱ استقلال ارمنستان را به رسمیت شناخت و در ۹ فوریه ۱۹۹۲ به طور رسمی روابط خود را با این کشور آغاز کرد ارمنستان در مسائل منطقه‌ای اشتراک دیدگاه بسیار قابل توجهی با ایران دارد که همین مسأله باعث شده است در طی این بیست سال رؤسای جمهور، رؤسای پارلمان، وزیران امور خارجه و سایر مقامات دو کشور صدها دیدار داشته و تفاهم‌نامه و موافقت‌نامه‌های متعددی را در زمینه‌های انرژی، علوم، فرهنگ و کشاورزی و غیره به امضا رسانند. کوچاریان در ادامه بیان داشت که به ویژه سفر اخیر آقای احمدی نژاد به ارمنستان از اهمیت وافری برخوردار بوده است. (شیرازی، ۱۳۷۰: ۵۳)

از نقاط قوت همکاری‌های دو کشور را عملی شدن بخش قابل توجهی از قراردادها و طرح‌های راهبردی طرفین در ۲۰ سال اخیر دانست. از جمله این موارد کوچاریان به امضای قرارداد ساختن خط لوله گاز و تأسیس کمیسیون مشترک اقتصادی دو کشور در سال ۱۹۹۵ و برگزاری اولین نشست این کمیسیون در همان سال اشاره کرد. کمیسیونی که تاکنون ده نشست آن برگزار شده است. افتتاح خط لوله انتقال گاز ایران به ارمنستان با حضور رؤسای جمهوری دو کشور در روز ۱۵ مارس ۲۰۰۷ یکی از نقاط عطف روابط دو کشور می‌توان برشمرد و افزایش حجم گردش کالا بین ایران و ارمنستان از ۲۰ میلیون دلار در سال ۱۹۹۳ به ۳۳۵ میلیون دلار در سال ۲۰۱۰ را نیز یکی از شواهد مؤید روابط سازنده و رو به رشد طرفین و تنها بخشی از دستاوردهای مشترک ایران و ارمنستان در ۲۰ سال اخیر است (میلانی، ۱۳۸۷: ۱۶۲-۱۶۷) حوزه‌های حمل و نقل و انرژی به عنوان بخشی از روابط راهبردی دو کشور، به ایجاد دو نیروگاه تولید برق آبی بر روی رود ارس و

هم‌چنین خطوط انتقال برق فشار قوی و خطوط انتقال نفت بین دو کشور اشاره کرد روابط گسترده‌ی ایران و ارمنستان را، نه تنها برای منافع دو کشور، بلکه برای منافع منطقه نیز مفید دانست. همچنین باید اشاره نمود که ایران بر خلاف دیگر کشورها، همواره در مسأله قره‌باغ مواضع سازنده و متوازنی داشته است. (ماجیان، ۱۳۷۷: ۶۸) ایران بزرگ‌ترین و پرجمعیت‌ترین همسایه ارمنستان است که ارمنیان مقیم آن فرصت حفظ زبان و فرهنگ خود را داشته‌اند و ارمنستان نیز کوچک‌ترین همسایه ایران است. ساخت پل بر روی رود ارس این فرصت را برای ما فراهم آورد که با ایران ارتباط داشته و از نزدیک با این کشور آشنا شویم. این امر به ویژه از زمانی که ارمنستان در محاصره اقتصادی واقع شده است، برای این کشور اهمیت بسزایی دارد. امروزه این پل عمری ۲۰ ساله دارد، اما دو ملت ایران و ارمنستان باید تلاش کنند که خلاء ۷۰ سال جدایی زمان شوروی را جبران کنند (معدل، ۱۳۸۲: ۹۷). ارمنیان باید ایران با سرزمین زیبا، با جمعیت ۷۵ میلیونی با تاریخ و فرهنگ غنی را بشناسند و ضمن آشنایی با تاریخ چندین هزار ساله دریابند که ایران چگونه توانسته است سازمان اداری و حکومتی و تمامیت ارضی خود را با وجود برخی همسایگان بدخواه حفظ کند.

علاوه بر این الزامات جغرافیایی پیوند و توسعه روابط دو جانبه را ضروری و میراث تاریخی- فرهنگی نیز بسترهای آن را فراهم می‌کند. به‌علاوه تحولات بعد از فروپاشی شوروی و پدید آمدن معادلات پیچیده‌ی ناشی از حضور بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و بروز رقابت‌ها، درگیری‌ها و منازعات متعدد، همه ضرورت ادامه و توسعه‌ی روابط ایران و ارمنستان را آشکارتر ساخته است. هدف پایدار سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در رابطه با کشورهای همسایه و به ویژه منطقه‌ی قفقاز، توسعه روابط مبتنی بر مؤلفه‌هایی مانند احترام متقابل، منافع مشترک و روابط صلح‌آمیز بوده است. همچنین باید اشاره نمود که تلاش‌هایی که در چند سال اخیر، در راستای بهبود روابط ارمنستان با ترکیه به وقوع پیوست، این تصور را به‌وجود آورده باشد که شاید این تحول، روابط ایران و ارمنستان را

تحت‌الشعاع قرار دهد و از ابعاد وسیع آن بکاهد، اما ژئوپلیتیک منطقه، توسعه روابط همه‌جانبه دو کشور را به الزامی غیر قابل انکار تبدیل کرده است. البته نمی‌توان و نباید نقش معادلات منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای را در این روابط نادیده بگیریم. ایران و ارمنستان با وجود برخی نوسان‌ها در روابط خود، یک الگوی روشنی از تداوم و پایداری را در طول دو دهه گذشته به نمایش گذاشته‌اند.

اما نکته قابل توجه این است که هنوز ظرفیت‌های زیادی برای توسعه روابط دوجانبه، نه تنها در زمینه‌های سیاسی و اقتصادی، بلکه در حوزه‌های اجتماعی، فرهنگی، ارتباطات دانشگاهی و علمی وجود دارد که توجه به آنها، سطح روابط را با ظرفیت‌های گسترش روابط دو کشور سازگار خواهد ساخت. روابط ایران و ارمنستان به قدمت تاریخ کهن سال دو ملت در این منطقه از جهان و بر اساس پیوندهای فرهنگی، سیاسی و تاریخی استوار بوده و بعد از فروپاشی شوروی و اعلام استقلال ارمنستان، ایران از اولین کشورهای بود که استقلال این کشور را به رسمیت شناخت و امضای توافق‌نامه همکاری سیاسی و فرهنگی شامل ۲۷ ماده چارچوب‌های قانونی را برای گسترش روابط دوجانبه فراهم کرد. ایران همواره نسبت به جمهوری‌های قفقاز جنوبی مواضع متعادل، منصفانه و صریحی را نشان داده است (نوری زاده، ۱۳۸۹: ۸۳-۹۴).

ساخت خط لوله باکو - تفلیس - جیهان (که در سپتامبر ۲۰۰۲ شروع شد) احداث این خط لوله یکی موفقیت سیاسی غرب به شمار آمده، زیرا غرب با سرمایه‌گذاری سیاسی در مسیری غیراقتصادی فرصت ژئوپلیتیکی مهمی برای خود در قفقاز جنوبی خلق نماید. این خط لوله که ۳ میلیارد دلار هزینه در برداشته، قادر به انتقال روزانه یک میلیون بشکه نفت می‌باشد. انتقال نفت و گاز دریای خزر به بازارهای بین‌المللی از مسیر فوق فرصت اقتصادی مهمی برای آذربایجان و گرجستان محسوب می‌گردد و از نظر سیاسی و گرایش راهبردی جایگاه این دو کشور در ساختارهای یوروآتلانتیکی مستحکم می‌شود و به عبارت دیگر با گردش نفت در این لوله‌ها گرایش غرب‌گرایانه آذربایجان و گرجستان بازگشت‌ناپذیر

خواهد شد، زیرا منافع اقتصادی حاصل از نفت با هیچ منبع دیگری قابل جایگزین نیست و سرمایه‌گذاری انجام شده توسط شرکت‌های نفتی غرب، این تضمین را به دو کشور منطقه خواهد داد که سرمایه‌گذاران غربی به منظور حفظ منافع خود از آنها حمایت نمایند. (میناسیان، ۱۳۷۱: ۶).

کشورهای حوزه قفقاز به دلایل اقتصادی مختلفی تمایل دارند که با عضویت در ناتو از فرصت‌های موجود استفاده نمایند. کشورهای حوزه قفقاز دارای ذخایر مهمی از مواد معدنی و نفت و گاز می‌باشند اما به لحاظ تکنولوژی ضعیف امکان استحصال کامل آنرا ندارند. همچنین به دلیل ماشین‌آلات قدیمی امکان ارتقاء بهره‌وری و افزایش تولید را ندارند. پس از فروپاشی شوروی منابع انرژی این منطقه مورد توجه کشورهای منطقه و جهان واقع شد و به صحنه رقابت بازی گران منطقه‌ای و جهانی تبدیل گردید. یکی از مسائل مهم در بحث اقتصاد تأمین انرژی است که به عنوان یک مسئله راهبردی برای جهان غرب به شمار می‌آید (وحیدی، ۱۳۷۹: ۷۸).

فرصت‌ها و موانع همکاری‌های ایران و ارمنستان

الف) فرصت‌های همکاری ایران و ارمنستان

۱- ارمنستان به عنوان یک شرکت تجاری: ارمنستان با توجه به معضلات ژئوپلیتیک به شدت به مواد سوختنی و کالاهای ایران و نیز مسیر ایران برای واردات و صادرات کالا نیازمند است و مسیر ایران برای دسترسی آن کشور به آب‌های آزاد به طور تقریبی حالتی استثنایی پیدا کرده است. استفاده مناسب از این فرصت و در اختیار گرفتن بازارهای ارمنستان به عنوان اقدامی درازمدت و پایدار و نه اقدامی سودجویانه و کوتاه مدت، می‌تواند تأمین‌کننده منافع جمهوری اسلامی ایران تلقی شود (صدیق، ۱۳۸۵: ۱۲۵).

در این رابطه احداث خط لوله انتقال گاز ایران به ارمنستان جایگاه خاصی دارد و می‌توان با اجرای این طرح ضمن تأمین انرژی مورد نیاز این کشور و بستر سازی برای

تداوم همکاری‌ها در درازمدت به آن به عنوان یکی از مسیرهای انتقال انرژی به اروپا نگاه کرد. نیاز مبرم این جمهوری به سوخت و انرژی، بهترین شرایط را برای همکاری فراهم می‌آورد. در راستای تأمین این اهداف، خط لوله انتقال گاز ایران به ارمنستان در اسفند سال ۱۳۸۵ افتتاح شد. این طرح علاوه بر منافع اقتصادی ابعاد امنیتی و سیاسی نیز دارد. باید به تلاش اروپا برای کم کردن وابستگی خود در زمینه به آمریکا و توجه به مسائل انرژی در قرن جدید نیز توجه کرد. به طور کلی موضوع انرژی و نفت و گاز در آینده قفقاز نقش مهمی دارد.

۲- فروش گاز مایع: در سال‌های قبل همکاری میان دو کشور در خرید و فروش این محصول وجود داشته است، زیرا مشکلات مربوط به احداث خط لوله و غیره بر سر راه آن قرار نداشته است.

۳- تبادل برق و ترانزیت آن: تبادل برق و ترانزیت آن از دیگر زمینه‌های مناسب برای همکاری دو جانبه و چندجانبه به شمار می‌آید.

۴- احداث سد مشترک بر روی ارس: بهره برداری از آب‌های مرزی در همکاری‌های دو جانبه علاوه بر منافع اقتصادی آن، منافع سیاسی و امنیتی نیز دارد. این نوع همکاری‌ها تأثیر مهمی در ایجاد ثبات و توسعه دارد. با توجه به پر آب بودن رودخانه‌های ارمنستان و وجود آب‌های معدنی در بیشتر نقاط این کشور، چشم انداز خوبی برای همکاری در این زمینه وجود دارد. اهمیت این همکاری با توجه به اینکه در قرن ۲۱ آب به یک کالای مهم تبدیل شده، بیشتر می‌شود.

۵- حمل و نقل: یکی از مهم‌ترین مسائل در ارتباط با فعالیت‌های اقتصادی مشترک، وجود یک سیستم مشترک، وجود یک سیستم حمل و نقل کارآمد و مطلوب است. وجود یک شبکه حمل و نقل یکپارچه و به هم پیوسته، شرط ضروری برای مبادلات متقابل ایران و همسایگان شمالی محسوب می‌شود. در این رابطه طرح ایجاد شبکه به هم پیوسته حمل و

نقل همچون راه آهن، راه‌های شوسه، تقویت خطوط هوایی و استفاده از بنادر دریای خزر و خلیج فارس، به عنوان امری مهم و زیربنایی محسوب می‌شود.

۶- همکاری‌های صنعتی و معدنی: ارمنستان با توجه به منابع و توان فنی برای همکاری با ایران امکانات مطلوبی دارد. با توجه به مزیت نسبی ارمنستان در برخی صنایع و به ویژه صنایع مرتبط با مواد معدنی و صنایع سبک، امکان گسترش مبادلات بخصوص با هدف تکمیل زنجیره‌های ناقص صنایع این کشور وجود دارد. این موارد در این زمینه‌ها قابل توجه هستند:

- وجود مؤسسه‌های تحقیقاتی و مراکز طراحی و برنامه ریزی که نیروهای متخصص دارند،
- وجود منابع طبیعی که تنها برخی از آنها مورد شناسایی و بهره برداری قرار گرفته‌اند،
- اصلاحات اقتصادی در حال انجام، - نیروی کار متخصص با کیفیت مناسب.

با وجود شرایطی به نسبت مناسب در زمینه صنعتی، این کشور قادر نیست به تنهایی به توسعه این بخش پردازد و نیازمند همکاری فعال خارجی است. در این راستا ایران با توجه به توانایی‌ها و ظرفیت‌های خود می‌تواند به بهترین شکل همکاری مناسبی با ارمنستان داشته باشد. صنایع این کشور با توجه به نیاز مبرم به سوخت و مواد اولیه، زمینه مناسبی برای حضور فعال ایران به شمار می‌آیند. در صورت همکاری‌های دو جانبه، امکان ورود به بازار کشورهای تازه استقلال یافته فراهم شده است. همچنین از منابع طبیعی و ظرفیت‌های فنی و علمی این جمهوری استفاده خواهد شد.

ارمنستان ظرفیت‌های قابل توجهی در زمینه معادن مس، طلا، مولیبدن و غیره دارد. صنایع مصالح ساختمانی این کشور نیز منابع خوبی دارد. امکان همکاری ایرانو ارمنستان و بهره برداری از منابع معدنی موجود در این کشور وجود دارد. در گذشته همکاری دو کشور در زمینه منابع معدنی جایگاه ویژه‌ای داشت، اما لازم است در این زمینه اقدام‌های جدیدتری صورت بگیرد. سرمایه‌گذاری در استخراج و بهره برداری از معادن غنی سنگ‌های قیمتی ارمنستان نیز ظرفیت و امکانات قابل ملاحظه‌ای در بردارد.

۷- همکاری‌های بازرگانی: توسعه روابط تجاری و بازرگانی یکی از زمینه‌های عمده مذاکرات بین ایران و ارمنستان بوده است. ایجاد گذرگاه مرزی، حذف محدودیت‌های ترانزیت و ویزا برای رانندگان، مسافران و تجار، ایجاد اتاق بازرگانی و غیره همه به رشد روابط تجاری یاری کرده است. همکاری‌های تجاری و بازرگانی با توجه به امکانات، منابع و نیازهای مختلف دو طرف، قابلیت مناسبی برای توسعه دارد. عضویت ارمنستان در سازمان جهانی تجارت باید مورد توجه ایران قرار بگیرد. می‌تواند در این زمینه‌ها همکاری بازرگانی را گسترش داد:

- ایجاد شرکت‌های مشترک ساخت برخی محصولات، - ایجاد مراکز اطلاعات تجاری و تولیدی، - ارتقای همکاری‌های گمرکی، - اعطای وام اعتبار خرید به طرف ارمنی - ایجاد رژیم آزاد تجاری.

۸- همکاری علمی: در دنیای پیشرفته امروزی، علم به تکنولوژی و اقتصاد در کنار قدرت نظامی از عوامل بنیادین بقای یک ملت به شمار می‌آیند و رقابت برای برتری علمی، تکنولوژیکی و اقتصادی در میان کشورها وجود دارد. برای پیشبرد امور علمی و فنی در شرایطی که زیر فشار غرب و آمریکا هستیم، بهره برداری از پتانسیل علمی کشورهای تازه استقلال یافته می‌تواند مورد توجه قرار گیرد.

۹- همکاری کشاورزی: با وجود محدودیت‌های اقلیمی ارمنستان، همکاری در این زمینه امکان پذیر است. در این بخش وجود تجارب مفید ارمنستان در اموری مانند کویر زدایی، اصلاح نباتات و طراحی سیستم آبیاری قابل توجه است.

۱۰- روابط فرهنگی ایرانیان و ارمنیان: روابط فرهنگی ایرانیان و رامنه به ۲۸ قرن پیش باز می‌گردد و ریشه‌های عمیقی دارد. سرزمین ارمنستان ادامه فلات ایران زمین است. هر دو قوم از نخستین خاستگاه اقوام آریایی به حرکت در آمدند و در سرزمین‌های کنونی ساکن شدند. زبان ارمنی با زبان فارسی پیوند خورده است. نام‌های کهن ارمنی، نام‌های اصیل هخامنشی و اشکانی هستند. ایرانیان و ارامنه در روزگار هخامنشیان و اشکانیان دین واحدی

داشتند و هر دو قوم جشن‌های مشترکی دارند که سابقه ۲۷۰۰ ساله دارد. شاهنامه فردوسی تأثیر شگرفی بر حماسه‌های ملی و شاعران ارمنی داشته است، آرامنه در سده‌های میانه، شاهنامه را هم به هم به زبان فارسی و هم به زبان ارمنی می‌خواندند (ابرار معاصر، ۱۳۸۳، ص ۲۰۵). در حال حاضر نیز دو ملت ایران و آرامنه روابط مطلوب و دوستانه‌ای با هم دارند. در ایران آرامنه کلیساهای متعددی دارند. در هیچ یک از کشورهای غیر مسیحی این تعداد کلیسا وجود ندارد.

ب- موانع همکاری دو کشور

شناسایی موانع همکاری دو کشور حائز اهمیت هستند. در یک نگرش کلی می‌تون این موانع را به اقتصادی، سیاسی و امنیتی تقسیم کرد:

۱ - **موانع اقتصادی:** در زمینه موانع اقتصادی می‌توان به موانعی که در دو طرف ایرانی و ارمنی وجود دارد اشاره کرد که عبارتند از:

- وضعیت اقتصادی به ارث رسیده از اتحاد شوروی - ساختار اقتصادی ارمنستان - ساختار اقتصادی جمهوری اسلامی ایران

در زمینه وضعیت اقتصادی به ارث رسیده از اتحاد شوروی باید گفت فقر عمومی و توسعه نیافتگی این کشور، با وجود امکانات و ثروت و استعدادهای سرشار، باعث ایجاد بحران در این کشور شده و مانع برقراری همکاری‌های اقتصادی مطلوب می‌شود. با توجه به ساختار و سیستم خاص اتحاد شوروی، ارمنستان صنایع مادر و سنگین و پیشرفته، تکنولوژی روز و مدرن و صنایع کلیدی ندارد. صنایع کلیدی و مادر و مدرن در بخش‌های اروپایی شوروی سابق قرار داشتند. علاوه بر این مشکلات، بیکاری و تورم نیز بر دشواری‌های مهم اقتصادی این کشور است. مشکل دیگر مکمل نبودن اقتصادهای دو کشور با هم است، هر چه میان دو کشور رابطه اقتصادی در جهت تکمیل کمبودهای طرف دیگر باشد، این رابطه مطلوب‌تر است. مسئله عدم توسعه و رشد تکنولوژی مدرن امری

است که میان همسایگان ایران مشترک است. بنابراین دو طرف برای نیل به توسعه و پیشرفت همچنان چشم به جهان صنعتی دوخته‌اند. مشکلات گذار از سیستم سوسیالیستی و سیستم بازار آزاد، یکی دیگر از دشواری‌های و موانع همکاری دو طرف است. انتقال از سیستم متمرکز دولتی به سیستم آزاد نیازمند سرمایه‌های هنگفتی است که ایران توانایی چندانی برای تأمین آن ندارد. به همین دلیل کشورهای تازه استقلال یافته بیشتر در پی برقراری ارتباط با کشورهای غربی و آسیای شرقی هستند. البته بخش خصوصی ایران ظرفیت‌های مناسبی دارد که باید زمینه لازم و مناسب برای آن فراهم شود. در صورت تثبیت وضعیت اقتصادی ایران و متغیرهای جهانی مانند قیمت نفت و سیاست‌های آمریکا، ایران می‌تواند نقش فعال‌تری را ایفا کند.

ایران نیز برای توسعه حضور خود در ارمنستان و گسترش همکاری‌های دو جانبه با موانعی مواجه است. برخی از این موانع ریشه در ساختار اقتصاد کشورمان دارند. با وجود اینکه ایران به واسطه موقعیت استراتژیک و ژئوپلیتیک، تنوع اقلیمی، منابع انرژی سرشار و نیروی کار فراوان، راه‌های ارتباطی، سیاست همکاری جویانه و عدم مداخله جویی وزنه مهمی در منطقه محسوب می‌شود، اما این امکانات و عوامل هنگامی می‌توانند ارزشمند و اثر بخش باشند که با تدبیر سیاسی و اقدام صحیح به کار گرفته شوند. متأسفانه بهره‌برداری از این امکانات و قابلیت‌ها به دلیل مشکلات اداری و سیاسی تاکنون به نحو مطلوب صورت نگرفته است.

از سوی دیگر مشکلات ریشه‌ای اقتصاد ایران نیز باید مورد توجه قرار گیرند. در روابط دو جانبه، بسیاری از فرصت‌های اقتصادی از دست رفته‌اند و کشورهای دیگر با در پیش گرفتن آماده‌سازی مناسب توانسته‌اند از این فرصت‌ها استفاده مناسب ببرند. این در حالی است که در سطح دولتی ایران بیشترین موافقتنامه‌ها را با ارمنستان امضا کرده است. وجود علایق و دوستی دیرینه و تاریخی دو ملت ایران و ارمنستان نیز بستر مناسبی برای همکاری

فراهم کرده است، اما با وجود مزیت‌های نسبی ایران نسبت به رقبای خود مشاهده می‌شود که جایگاه ایران در ارمنستان، متناسب با امکانات و توانایی‌هایش نیست.

۲- موانع سیاسی: به طور خلاصه می‌توان گفت با توجه به موقعیت ژئوپلیتیک و استراتژیک قفقاز این منطقه کانون رقابت قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی شده است. در نتیجه همکاری‌های دو جانبه کشورهای همسایه با هم از جمله مناسبات ایران و ارمنستان تحت تأثیر این عوامل و رقابت‌ها قرار دارد. تلاش قدرت‌های بزرگ برای نفوذ در قفقاز باعث تشدید رقابت‌ها و خنثی شدن نیروها شده است. وجود شکاف‌های قومیت‌مذهبی، اقتصادی و سرزمینی و تأثیر آنها بر یکدیگر، باعث بحران‌ها و چالش‌هایی شده است. این مسائل بی‌ثباتی را در منطقه دامن زده و برای همکاری‌های راهبردی مانع ایجاد می‌کند. شرایط سیاسی ارمنستان نیز مانعی بر سر راه همکاری‌ها است. موانع داخلی ارمنستان عبارتند از:

- تأثیر پذیری از قدرت‌های خارجی به ویژه روسیه
- قرار گرفتن ارمنستان میان سه قدرت بزرگ منطقه یعنی ایران، روسیه و ترکیه، سیاست خارجی این کشور را به شدت تحت تأثیر قرار داده است. - نبود فرهنگ تساهل و مدارای سیاسی - ضعف بوروکراسی - وجود تنش و نبود ثبات کامل سیاسی - بحران قره باغ و درگیری با آذربایجان - نبود آیین‌های سیاسی و امنیتی و اقتصادی مدرن.

جمهوری اسلامی ایران نیز به دلیل نداشتن تعریف مشخص از روابط با همسایگان استراتژیک در چهارچوب اهداف ملی، روشن نبودن اهمیت و موقعیت ژئوپلیتیک ارمنستان و وجود برخی مخالفت‌ها در بین مردم مناطق آذری نشین با توسعه همکاری با ارمنستان به دلیل جنگ با آذربایجان با مشکلاتی در گسترش روابط خود با ارمنستان رو به رو است.

۳- موانع امنیتی: تلاش برای حل درگیری‌ها در منطقه قفقاز از جمله درگیری قره باغ و تعریف جدید از امنیت در منطقه قفقاز و ایجاد نظام امنیتی جدید برای ثبات و توسعه

اقتصادی منطقه. صاحب‌نظران معتقدند وجود ثبات و امنیت، پیش شرط توسعه است و توسعه همکاری‌های دو جانبه نیز از این عامل مهم متأثر است. از این لحاظ تهدیدهای امنیتی و درگیری‌ها در منطقه قفقاز توسعه اقتصادی را با کندی مواجه کرده است. هر کشوری در این منطقه ترتیب‌های امنیتی را از منظر خود تعریف می‌کند و عوامل مؤثر بر آن را طبق آن تعریف مشخص می‌کند. به عنوان مثال طرح‌های روسیه بیشتر ناظر بر اهمیت استراتژیک قفقاز در سیاست خارجی این کشور و تمایل نداشتن برای ورود سایر بازیگران در این عرصه است. روسیه از طرح ۳+۱ یعنی روسیه و سه جمهوری قفقاز جنوبی حمایت می‌کند. جمهوری اسلامی ایران نیز اعتقاد دارد که باید مسائل و مشکلات موجود در منطقه توسط کشورهای منطقه حل و فصل شود و مخالفت خود را با حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای اعلام کرده است. به طور کلی اختلاف نظر کشورهای منطقه در تعریف ترتیب‌های امنیتی در قفقاز جنوبی به یکی از موانع همکاری در سطح دو جانبه و چند جانبه تبدیل شده است. در زمینه ارتباط توسعه اقتصادی و مسئله امنیت نیز اختلاف نظر وجود دارد. هر چند که هر دو به نحوی به هم مرتبط هستند، اما در مورد اینکه کدام یک باید تقدم داشته باشد دو دیدگاه متفاوت وجود دارد.

در نگرش نخست امنیت به عنوان شرط لازم برای تحقق توسعه اقتصادی مورد توجه است. در حالی که در دیدگاه دوم به توسعه اقتصادی اولویت داده می‌شود و منشأ درگیری‌ها و اختلاف نظرها، نبود توسعه اقتصادی در منطقه حساس قفقاز اهمیت دارد. دخالت قدرت‌های خارجی که به نحوی برای یافتن مناطق زیر نفوذ در این منطقه حساس و به ویژه حوزه خزر تلاش می‌کنند، تأثیر تشدید کننده‌ای بر بی ثباتی منطقه گذاشته است. نتیجه چنین روندی این است که برخی از کشورهای منطقه به سوی آمریکا اروپا و پیمان ناتو جهت گیری کرده‌اند. گسترش پیمان ناتو به شرق و منطقه قفقاز، واکنش‌های اعتراض آمیز روسیه و ایران را در پی داشت. در نگاهی کلان به موانع یاد شده، مشاهده می‌شود که این موانع هر کدام به صورت‌های مختلف بر همکاری‌های دو جانبه و چند جانبه تأثیر می‌

گذارندف اما با توجه به اینکه منطقه قفقاز اهمیت ژئوپلیتیکی دارد، تأثیر موانع سیاسی و امنیتی بیش از تأثیر موانع اقتصادی است. به عبارت دیگر در این منطقه سایه سنگین سیاست بر اقتصاد و جغرافیای سیاسی بر جغرافیای اقتصادی نمایان است. بنابراین برای توسعه همکاری‌های اقتصادی در این منطقه باید اقدام به بستر سازی استراتژیک کرد تا تحت تأثیر عوامل و مسائل دیگر قرار نگیرد.

نتیجه گیری

با توجه به مؤلفه‌های رهیافت همگرایی منطقه‌ای مبنی بر عمل‌گرایی، فوق‌ملی‌گرایی، توسعه تعاملات، تأکید بر ارتباطات و ایجاد مرکز هم‌آهنگ کننده منطقه‌ای، می‌توان گفت که اراده انقلاب اسلامی و نظام برآیند آن، یعنی جمهوری اسلامی، در عین پای‌بندی به سه مفهوم کلیدی انقلاب اسلامی، یعنی «استقلال‌گرایی»، «جامع‌گرایی» و «عام‌گرایی» - خاص‌گرایی»، در مقطعی به آموزه‌های این رهیافت - به ویژه پس از فروپاشی شوروی - تعلق گرفته است. به باور بسیاری از صاحب‌نظران از نگاه نظری و معنوی هم در زمان حیات شوروی و هم پس از آن، انقلاب اسلامی تلاش نمود الگویی بدیل الگوی کمونیستی را در منطقه قفقاز ارائه کند. این الگو که برخاسته از متن دین اسلام بود، تا حدودی توانست بر بینش و فهم سیاسی قفقازی‌ها تأثیر بگذارد و علی‌رغم حضور الگوهای رقیب، انقلاب ایران، حس استقلال‌خواهی و آزادی‌خواهی را در منطقه قفقاز، وارد فاز جدیدی کند.

در رابطه با تأثیرات عینی و راهبردی، می‌توان گفت که کارنامه انقلاب اسلامی در خصوص قفقاز، فراز و فرودهای بسیاری داشته است. در حالی که در برخی مقاطع، سیاست‌گذاران انقلاب - که به اهمیت ژئوپلیتیک منطقه قفقاز واقف بودند - دست‌آوردهای مثبتی بر تحولات قفقاز، به ویژه در رابطه با کشورهای جنوبی این منطقه از خود برجای گذاشتند، اما در پاره‌ای از مقاطع به دلیل ضعف شناخت از واقعیت‌های این منطقه و البته

مداخلات قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای نتوانستند آن چنان که باید تحولات سیاسی این منطقه را بر اساس منافع ملی ایران مدیریت کنند. انقلاب اسلامی به دلیل داشتن عناصر دینی از لحاظ تئوری و معنوی از بدو پیروزی‌اش در سال ۱۹۷۹ علی‌رغم این که قفقاز تحت حاکمیت و کنترل شدید حکومت مسکو بود، تأثیرات ایدئولوژیکی و معنوی مشخصی بر قفقاز گذاشت. این مسئله از انقلاب اسلامی، الگویی ارائه کرد که به عنوان چراغ راهنمای مردم منطقه قفقاز در مسیر اسلام‌گرایی، آزادی‌خواهی و استقلال‌طلبی قرار گرفت و از این جهت، زمینه تحولات سیاسی چند سال بعد فراهم آمد.

پس از فروپاشی شوروی و شکل‌گیری جمهوری‌های مستقل در قفقاز جنوبی، امید آن بود که جمهوری اسلامی ایران از فضای مساعد به وجود آمده برای نفوذ در این منطقه و انتشار پیام و الگوی انقلاب اسلامی، استفاده بهینه کند، اما آنچه در عمل اتفاق افتاد، این بود که هیچ‌یک از دولت‌های برآمده از انقلاب اسلامی، آن چنان که باید نتوانستند تحولات سیاسی سه کشور آذربایجان، ارمنستان و گرجستان - که هر کدام، آستان تحولات درونی و بیرونی بسیاری بودند - در قفقاز جنوبی را تحت تأثیرات قابل توجه قرار دهند (میانجیگری در بحران قره‌باغ، یک استثناء محسوب می‌شود). سیاست‌مداران ایران با چالش‌های بیرونی مواجه بودند که محصول دخالت قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای در رقابت با ایران در این منطقه است. همین‌طور چالش‌ها و موانع طبیعی و ذاتی مانند تفاوت نژادی و مذهبی با دو کشور ارمنستان و گرجستان و گرایشات پان‌ترکیسم که در آذربایجان وجود دارد. بنابراین می‌توان گفت که انقلاب اسلامی ایران در تحولات منطقه قفقاز جنوبی پس از استقلال این جمهوری‌ها سهم بالایی ندارد و حال آن که می‌توانست داشته باشد. این واقعیت در رابطه با قفقاز شمالی مشهودتر است؛ چرا که تنظیم سیاست‌های کلان با فدراسیون روسیه و همین‌طور مقررات بین‌المللی، امکان چندانی جهت مانور در جمهوری‌های واقع در قفقاز شمالی که تحت حاکمیت روسیه قرار دارد، باقی نمی‌گذاشت.

با توجه به مباحث مطرح شده به نظر می‌رسد همکاری دو کشور جمهوری اسلامی ایران و جمهوری ارمنستان در زمینه‌های مختلف قابل توسعه باشد. در طول سال‌های گذشته بستر لازم برای همکاری‌های اقتصادی مهیا شده است. برای ارتقای سطح همکاری‌ها با توجه به ژئوپلیتیک منطقه و مسائل سیاسی و امنیتی آن باید تلاش کرد. با توجه به نیاز صنایع ارمنستان به مواد اولیه و انرژی، همکاری در این زمینه‌ها فرصت مناسبی برای گسترش مناسبات است. البته روابط میان دو کشور می‌تواند عمیق‌تر و گسترده‌تر از احداث و بهره برداری از راه‌های ارتباطی و انرژی شود. اهمیت توسعه همکاری‌ها با ارمنستان با توجه به جایگاه قفقاز برای منافع و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران پس از فروشی شوروی روشن‌تر می‌شود. منطقه قفقاز به دلیل موقعیت استراتژیک خاص همواره مورد توجه ایران بوده است. به همین دلیل پس از فروپاشی شوروی، ایران به عنوان یک قدرت منطقه‌ای مهم با توجه به امکان اعمال نفوذ در منطقه، سیاست خارجی فعالی را نسبت به قفقاز و همکاری با همسایگان شمالی در پیش گرفت و این سیاست فعال به این دلایل باید تداوم داشته باشد:

۱- منطقه قفقاز مکمل ژئوپلیتیک ایران، ادامه جغرافیای سیاسی کشور ایران محسوب می‌شود. از یک طرف به دلیل اینکه یکی از نقاط بحرانی در قفقاز یعنی قره باغ در کنار مرزهای ایران قرار دارد و از طرف دیگر امکان تسری درگیری‌های قومی به داخل ایران وجود دارد، مسائل قفقاز ماهیت امنیتی برای ایران دارد. قفقاز مدخلی برای ورود به اروپا است و می‌تواند به تنوع راه‌های مواصلاتی و ترانزیتی کمک کند. ایران از طریق قفقاز به اروپا نزدیک‌تر می‌شود و می‌تواند نقطه ثقل وابستگی خود به راه‌های ترکیه را کاهش دهد. از سوی دیگر قفقاز حلقه ارتباط دریای سیاه خزر به شمار می‌رود.

۳- امکان مکمل شدن اقتصاد ایران و اقتصاد جمهوری‌های قفقاز وجود دارد که این موضوع می‌تواند به تقویت حضور اقتصادی ایران در بازارهای منطقه کمک کند. علاوه بر این با توجه به اشتراک‌های فرهنگی که بین مردم ایران و کشورهای منطقه وجود دارد،

زمینه نفوذ سیاسی اقتصادی و فرهنگی در این منطقه وجود دارد. ۴- با سقوط شوروی ضمن بروز تهدیدهای امنیتی ناشی از خلاء قدرت، امکان همکاری و تعامل با روس‌ها برای جلوگیری از نفوذ قدرت‌های فرامنطقه‌ای و ایجاد مانع در مقابل پیشروی ناتو در شرق، مهیا شده است. ۵- حفظ و افزایش قدرت و تأمین امنیت ملی و دور کردن تهدیدهای بیگانگان از مرزهای شمالی ایران اهمیت بسیاری دارد. در قفقاز تهدیدهای مختلفی از جمله جدایی طلبی، ناسیونالیسم و قوم‌گرایی وجود دارد که به دلیل پیوندهای قومی با ایران می‌تواند علیه جمهوری اسلامی ایران تقویت و به کار گرفته شود و امنیت ملی و تمامیت ارضی ایران را به مخاطره افکند. بنابراین برای حفظ و تأمین امنیت ملی و تعامل با چالش‌های پیش رو، ایران باید بر مداخله‌های ورودی منطقه تسلط داشته باشد. یکی از راهبردهای عملی، تحقق حضور و نفوذ ایران در قفقاز، همکاری‌های اقتصادی و ایجاد پیوندهای اقتصادی با این جمهوری‌ها از جمله ارمنستان است. جمهوری ارمنستان نیز که تنها کشور مسیحی در همسایگی ایران است، با وجود کوچکی وسعت، موقعیت ژئوپلیتیکی مهمی دارد که می‌تواند تأثیرهای گوناگونی بر امنیت ملی و منافع ایران بگذارد. بنابراین اهمیت سیاسی، امنیتی و اقتصادی قفقاز در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از یک سو و نقش توسعه همکاری‌های دوجانبه با کشورهای قفقاز جنوبی در این خصوص از طرف دیگر، ما را به این امر رهنمون می‌کند که باید در منطقه قفقاز نقش فعال‌تری داشته باشیم. در تبیین اهمیت همکاری‌های دوجانبه می‌توان تأثیرهای عدم گسترش روابط اقتصادی را در موارد زیر خلاصه کرد:

۱- توسعه نیافتن اقتصادی کشورهای قفقاز جنوبی می‌تواند آثار زیانباری برای امنیت و اقتصاد ایران داشته باشد. موفقیت در برقراری روابط اقتصادی دوجانبه و منطقه‌ای با کشورهای قفقاز جنوبی علاوه بر جلوگیری از انزوای ایران، مانع از شکل‌گیری بلوک‌های متخاصم در همسایگی ایران خواهد شد. همچنین نفوذ اقتصادی ایران در منطقه باعث احیای موقعیت جغرافیای - اقتصادی ایران به مثابه گذرگاه شمال - جنوب و شرق - غرب

برای اتصال اروپا، خاورمیانه آسیای شرقی و کشورهای تازه استقلال یافته به یکدیگر می‌شود.

۲- بهبود وضعیت اقتصادی جمهوری‌های منطقه در اثر همکاری‌های اقتصادی باعث جلوگیری از تشنج‌های داخلی و اعتراض‌های مردمی و به خطر افتادن مشروعیت دولت‌های این کشورها می‌شود. این موضوع باعث حفظ ثبات و امنیت منطقه شده و زمینه را برای توسعه فراهم کرده و مانع نفوذ قدرت‌های بیگانه می‌شود.

۳- یکی دیگر از منافع امنیتی و سیاسی همکاری‌های اقتصادی، مقابله با سیاست مهار آمریکا برای جلوگیری از ایفای نقش ایران در منطقه است. نگرانی روسیه از سیاست‌های آمریکا می‌تواند عامل نزدیکی ایران و روسیه باشد. ۴- توسعه روابط تجاری ایران و ارمنستان باعث ایجاد اشتغال برای اتباع ایران به ویژه مرزنشینان می‌شود. ۵- ایجاد بازارچه‌های مرزی نیز می‌تواند ضمن جلوگیری از تأثیرهای منفی حضور و نفوذ کشورهای خارجی، سبب ایجاد اشتغال و درآمدزایی در مناطق مرزی شود و از مهاجرت مردم این مناطق جلوگیری کند. به طور کلی باید توجه داشت که ارمنستان عضو سازمان جهانی تجارت و شورای اروپا است و ظرفیت‌هایی برای پذیرش سرمایه دارد. با توجه به مناسبات تاریخی دوستانه و جایگاه این کشور در سیاست خارجی ایران ظرفیت‌های مناسبی برای همکاری‌های دو جانبه وجود دارد، بنابراین لازم است:

- زمینه‌ها و شرایط مناسب حقوقی آماده شود و لایحه موافقتنامه همکاری حقوقی دو طرف به مجلس شورای اسلامی ارائه شود

- همکاری‌های استانی توسعه یابد

- فعالیت‌های بخش خصوصی تقویت و تشویق شود

- پیگیری طرح‌ها و موافقتنامه‌هایی که به امضای دو طرف رسیده است و اجرایی کردن طرح‌ها همانند طرح احداث خط انتقال گاز به ارمنستان که در اسفند ماه ۱۳۸۵ افتتاح شد.

منابع

- (۱) افشردی، محمد حسین (۱۳۸۱). ژئوپلیتیک قفقاز و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: سپاه پاسداران، چ اول.
- (۲) امیر احمدیان، بهرام (۱۳۸۱). **جغرافیای کامل قفقاز**، تهران: انتشارات سازمان جغرافیای وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح.
- (۳) بالیف، ایگور (۱۳۷۵). «اسلام و سیاست»، **مجله سیاست دفاعی**، دوره ۴، شماره ۴.
- (۴) سانیا، تامس و دیگران (۱۳۸۲)، **گسل‌های منازعه در آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی**، ترجمه گروهی از مترجمان، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر، چ اول.
- (۵) سجادپور، محمد کاظم (۱۳۸۳). **چارچوب‌های مفهومی و پژوهشی برای مطالعه سیاست خارجی ایران**، تهران: دفتر مطالعات سیاسی بین‌الملل، چ دوم.
- (۶) شیخ عطار، علیرضا (۱۳۷۳). **ریشه‌های رفتار سیاسی در آسیای مرکزی و قفقاز**، تهران: وزارت خارجه، چ سوم.
- (۷) شیرازی، ابوالحسن (۱۳۷۰). **ملت‌های آسیای میانه**، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- (۸) صدیق، میرابراهیم (۱۳۸۵). «روابط اقتصادی و سیاسی جمهوری ارمنستان با جمهوری اسلامی ایران»، **فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز**، سال پانزدهم، دوره چهارم، شماره ۵۶.
- (۹) کاظمی، احمد (۱۳۸۴). **امنیت در قفقاز جنوبی**، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- (۱۰) کولایی، الهه (۱۳۷۸). «ایران، ارمنستان و روسیه: عوامل توسعه روابط»، **فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز**، سال هشتم، دوره سوم، شماره ۲۶.
- (۱۱) کولایی، الهه (۱۳۸۴). **بازی بزرگ جدید در آسیای مرکزی** (تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت خارجه، چ اول).
- (۱۲) فولر، گراهام (۱۳۷۳). **قبله عالم، ژئوپلیتیک ایران**، ترجمه عباس مخبر، تهران: نشر مرکز.
- (۱۳) ماجیان، هراند (۱۳۷۷). **تاریخ ارمنستان**، ترجمه محمد قاضی، تهران.

- ۱۴) مرادی، منوچهر (۱۳۷۸). «جنگ در قفقاز؛ امنیت و منافع جمهوری اسلامی ایران»، **فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز**، شماره ۶۳، پاییز.
- ۱۵) مرادی، منوچهر (۱۳۸۵). «چشم انداز همکاری ایران و اروپا در تأمین ثبات و امنیت قفقاز جنوبی»، **فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز**، شماره ۵۴، تابستان.
- ۱۶) معدل، منصور (۱۳۸۲). **طبقه، سیاست و ایدئولوژی در انقلاب ایران**، ترجمه محمد سالار کسرابی، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
- ۱۷) میلانی، محسن (۱۳۸۷). **شکل‌گیری انقلاب اسلامی، از سلطنت پهلوی تا جمهوری اسلامی**، ترجمه مجتبی عطارزاده، چاپ پنجم، تهران: انتشارات گام نو.
- ۱۸) میناسیان، آناهیدو دیگران (۱۳۷۱). **قفقاز در تاریخ معاصر**، ترجمه کاوه بیات و بهنام جعفری، تهران: انتشارات پروین.
- ۱۹) نوری زاده، احمد (۱۳۸۹). **تاریخ و فرهنگ ازمنستان**، تهران: تاریخ جهان.
- ۲۰) وحیدی، موسی الرضا، (۱۳۷۹). «سیاست خارجی روسیه در دریای خزر»، **فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز**، شماره ۳۲، زمستان.
- ۲۱) - وراتسیان، سیمون (۱۳۶۴). **در راه زندگی**، تهران: انتشارات آرمن.
- ۲۲) ابرار معاصر تهران (۱۳۸۲). **گسل‌های منازعه در آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی**، تهران: انتشارات موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
- ۲۳) ابرار معاصر تهران (۱۳۸۳). **راهنمای منطقه خزر و کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی**، تهران: انتشارات موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
- ۲۴) گمرک جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۳). **سالنامه آمار بازرگانی خارجی ایران ۱۳۷۳**. جلد‌های اول و دوم (صادرات و واردات)، تهران: معاونت طرح و برنامه گمرک جمهوری اسلامی ایران.
- 25) BP (August 2008). **statistical Review of world Energy**, year Book, London: British petroleum publications.
- 26) Huntington, s. p (1996). **The clash of civilizations**, Remaking of word order, New york: Touchstone.
- 27) Lowe, Robert and Claire spencer, Eds (26 july 2006). **Iran, its Neighbors and the Regional crises**, A Middle East program Report.

- 28) Laitin, D and G. Suny, R. G. (October 1999). Thinking aWay out of karabakh, **jounal of Middle East policy**, vol. 3, NO.1.